

خلق امتحان خود را داده است...

اینک نوبت کسانی است که به نیروی خلق و برای خدمت به خلق به «مقام» رسیده اند

نهضت سواد آموزی

انقلابی در جامعه انقلابی ما

شماره ۲

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۷۰۷
سه شنبه ۹ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۲ صفر ۱۴۰۱، شماره ۱۵ روال

نبرد علیه تجاوزگران
صدامی در چهار روز
گذشته با شلت ادامه یافت

انبار مهمات دشمن در جبهه آبادان به آتش کشیده شد

خبرگزاری پارس از آبادان گزارش میدهد: فراتر اجرای آتش توپخانه ارتش اسلام پیش از ظهر دیرروز، یک انبار مهمات دشمن در محور جاده آبادان - ماهشهر به آتش کشیده شد و دو خودروی مزدوران صدام بر اثر اصابت توپ ۱۰۶ ذرا بین منطقه از کار افتاد. گزارش خبرنگاران خبرگزاری پارس از آبادان حاکیست: فدائیان اسلام دیرروز با پشتیبانی توپخانه ارتش جمهوری اسلامی موفق شدند مزدوران صدام را در منطقه میدان تین به عقب برانند و چهار سنگر آنان را به تصرف خود درآورند.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

سردمداران آمریکاقرون ها جنایت کرده اند

شماره ۷

در صفحات بعد

درباره همزیستی مسالمت آمیز و «سازش» ابرقدرتها

قلب زحمتکشان برای انقلاب می تپد!

کارگران کارخانه ریسندگی پشم «هراز» آمل در مقابله با رژیم صدام و کم کاری

اقدامات جهاد سازندگی گلبایگان در راه سازندگی این منطقه

ایراد شد. گفتار امام خمینی در اینروز، که مصادف با اربعین حسینی و اربعین شهیدای خوزستان بود، نشان از درد و خشم داشت، خشم نسبت به کسانی که از مردم دم میزنند، ولی «خون اینها را وسیله کسب مقام میسازند، و درد از کسکترها و ناآرامیهای که انقلاب را از درون میجویند و جبهه خلق را در مقابل جبهه ضدخلق تضعیف می کنند.

برای توده های انقلابی مردم ایران، تسلیحات و تجهیزات که اینروزها در گوشه و کنار کشور پراکنده است که نیروهای مردمی را در مقابل یکدیگر قرار داده است، و از همه مهمتر، مسئولین انقلاب را علیه یکدیگر قیقه درصفت ۲

من خجالت می کشم وقتی که شماها را می بینم که از خوزستان و خرم آباد و از جنوب و از غرب آمده ای، آنچه را دیدم این بود که جوانهای شما شهید شده اند، آنطور خانه های شما خراب شده است و وقتی که بیاید اینجا، ببینید اوضاع طوری دیگری است، سرخون شما دعوا است، قلمها در روزنامه ها، مستطالی که آن قلمها بهستان است...

این جملات از زبان رهبر انقلاب، که قلبش همواره بخاطر آزادی و سعادت مردم رنج دیده کشور ما طپیده است، در ۲ دیماه خطاب به مردم دلاور خرم آباد و یل دختر و کوه دشت لرستان، که از روزم با تجاوزگران صدام چنانیکار بازگشته اند و توطئه انهدام جمهوری اسلامی ایران را به واسطه دلاوری های بی مانند خویش عقیم ساخته اند،

حمله لیبرال ها، که از موضع ضعف است، به معنی ضعف خطر آنها نیست

ادامه یابد، آب از سر آنها خواهد گذشت. علاوه بر این، لیبرالها، که پس از انقلاب موفقیت برتری در دستگاه قدرت حاکم بدست آورده بودند، متوجه اند که امرهای اعمال نفوذ و قدرت را یکی پس از دیگری از دست داده اند و احساس می کنند که این فاکتور نیز موازی با تمسوق انقلاب قبرا ادامه خواهد یافت. در یک کلام، بورژوازی لیبرال ایران، که روند تشدید ضعف خود را می بیند، باین نتیجه رسیده است که تا دیر نتواند چینید. و لذا حمله آغاز کرده

حمله لیبرالها، که چندی است آغاز شده، از موضع ضعف است. بورژوازی لیبرال ایران، که نمایندگان ظاهرا متفرق آن اخیرا یکدیگر را دیافته اند و بگردم آمده اند، باین دلیل حمله آغاز کرده اند که می بینند و احساس می کنند که انقلاب، هم درجبهه مبارزه با امپریالیسم و بورژوازی آمریکا، برای شکستن تسلط بازگشت امپریالیسم و کسب استقلال و هم در جبهه مبارزه بسود طبقات و اقتدار زحمتکش و مستضعف، گسترش و تعمیق میاید و اگر این پیشروی انقلاب

حمله لیبرالها، که چندی است آغاز شده، از موضع ضعف است. بورژوازی لیبرال ایران، که نمایندگان ظاهرا متفرق آن اخیرا یکدیگر را دیافته اند و بگردم آمده اند، باین دلیل حمله آغاز کرده اند که می بینند و احساس می کنند که انقلاب، هم درجبهه مبارزه با امپریالیسم و بورژوازی آمریکا، برای شکستن تسلط بازگشت امپریالیسم و کسب استقلال و هم در جبهه مبارزه بسود طبقات و اقتدار زحمتکش و مستضعف، گسترش و تعمیق میاید و اگر این پیشروی انقلاب

هر وقت (به اسلحه) احتیاج داشته باشیم، از هر جایی که مصلحت بدانیم و امکان خرید داشته باشیم، می خریم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، عصر دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. وی در پاسخ سؤال خبرنگاری که پرسید نظرتان در باره خرید سلاحهای پیشرفته از کشور شوروی برای مقابله با تهاجم احتمالی آمریکا که در سخنرانی دیروز (یکشنبه) مطرح شد، چیست؟ گفت: آنچه که خواست اولیه ماست این است که هیچ ملتی گرفتار سلاحهای پیشرفته که خیلی گران است و آثار تخریبی زیاد هم دارد، نشود و اصولا دلمان می خواهد بیشتر به سلاحهای تدافعی مجهز باشیم تا سلاحهای تهاجمی، ولی ضرورتها گاهی ممکن است چیزهایی که انسان نمی خواهد الزام کند.

وی در پاسخ سؤال دیگری در مورد خرید اسلحه از شوروی گفت: من مکرر گفته ام ما اسلحه را تا نیاز بدان نداشته باشیم نمی خریم و نیازی ما بر ذخیره کردن اسلحه نبوده ولی وقتی که احتیاج داشته باشیم از هر جایی که مصلحت بدانیم و امکان خرید داشته باشیم، طبعاً می خریم. برای دفاع از کشورمان خودمان را به هیچ چیزی محدود نخواهیم کرد.

جلال الدین فارسی:

ما باید به سلاحی که بتواند جواب ضربه انتقامی آمریکا را بدهد، مجهز شویم

آقای جلال الدین فارسی، در سخنان خود در روزاربعین، ضمن اشاره به تهدید آمریکا علیه ایران (دستزدن به یک عمل تبهکارانه) از جمله گفت: «این ضربه ای که آمریکا در از آن می زند، اینست که در یک نقطه نیرو بیاید کند یا جزایر را بگیرد و از آن طریق راه کشتیرانی را به روی ما ببندد یا یکی از شهرهای ما را بمباران کند. ما در مقابل این ضربه چه باید بکنیم؟ ما به آمریکا و ایالات متحده دسترسی نداریم، و در مقابل ناوگان آمریکا و تاسیسات نفی آمریکا در منطقه هستیم که ششماه عمر امپریالیسم آمریکا و غرب کاپیتالیست است. شما مردم باید به مسئولان دولتی هشدار بدهید که زمان را از دست ندهند. باید سلاحی بدست بیاوریم که

جلال الدین فارسی:

ما باید به سلاحی که بتواند جواب ضربه انتقامی آمریکا را بدهد، مجهز شویم

ما می توانیم بدست بیاوریم و وجود دارد؛ دوم اینکه آیا ما که پیرو سیاست نه شرقی، نه غربی، هستیم میتوانیم با حفظ استقلال چنین سلاحی را بدست بیاوریم؟ اما مسئله اول، بلکه چنین سلاحی وجود دارد و با چنین سلاحی است که ناوگان آمریکا جرئت نمی کند به دولتهای نیرومند حمله کند، مگر نبود کره شمالی که ناوگان آمریکا را غرق کرد؟ مگر نبود موشک اندازهای مصر در دوره عبدالناصر، که بزرگترین کشتی اسرائیل را در دهانه کانال سوئز غرق کردند؟ مگر دولت کوچک کوبا، که بیخ گوش ایالات متحده آمریکا است، به سلاحهای مجهز تشنه که میتوانست تمام شهرهای آمریکا را تبدیل به خاکستر کند و همین خطر و دارد: یکی اینکه آیا چنین سلاحی

باید مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متجدد شویم!

نهضت سوادآموزی - انقلابی در جامعه انقلابی ما

امام خمینی در جمع مسئولان نهضت سوادآموزی کشور، سخنان مهمی ایراد کردند، که باید هم از سوی سوادآموزان، یعنی دارطلبان تدریس و در کلاسهای مبارزه با بیسوادی، و هم از سوی سواد نیاموختگان، یعنی خیل عظیم بیسوادان کشور، مورد دقت و توجه فراوان قرار گیرد.

امام خمینی با اشاره به شماری که مسئولان نهضت سوادآموزی همراه داشتند که: «... قلم‌هایمان را به مسلسل تبدیل می‌کنیم».

این آرزوی شریف و والای انسانی را بیان داشتند که، روزی جنگ و ستیز از جامعه پتری رخت بریندد و دانش آگاهی در خدمت آن قرار گیرد. امام خمینی گفتند: «ما امیدواریم که بشر به روشی برسد که مسلسل‌ها را به قلم تبدیل کند، آفتوری که قلم و بیان در خدمت بشر بوده است، مسلسل‌ها نبوده‌اند».

امام خمینی به مسئولان نهضت سوادآموزی توجه دادند که: شما کوشش کنید که با بیان و قلم، مسلسل‌ها را کنار بگذارید و میدان را به قلم‌ها و به علم‌ها و به دانش‌ها واگذار کنید. از سوی دیگر امام خمینی، هم سوادآموزان و هم سواد نیاموختگان را مخاطب قرار دادند، اهمیت خدمت گروه اول و ضرورت پذیرش این خدمت را از سوی گروه دوم، خاطر نشان ساختند. امام خمینی گفتند:

شما سوادآموزان در تمام کشور بدانید که یک خدمتی دارید به انسان می‌کنید، که بالاترین خدمت‌هاست و روستائیان و سایر قشرهای بیسواد بدانند که این خدمت، خدمتی است که باید آنها به جان و دل قبول کنند. از وظائف سترگی که انقلاب در برابر دولت مطرح ساخته است، مسئله ریشه کن ساختن بیسوادی است. نظام وابسته، ضد خلقی و چهل‌پور محض، جامعه‌ای برای ما به میراث نهاد که ۶۰ درصد آن بیسواد بودند. این نسبت در روستاها به بیش از ۷۰ درصد میرسد و نسبت زنان بیسواد در شهرها بیش از مردان بود و در روستاها فقط ۸ درصد زنان روستائی، سوادخواندن و نوشتن داشتند.

پنجاه و چند سال سلطه دوزخی خاندان پهلوی مانع عظیمی در راه پاسواد شدن توده‌های مردم بود. این خاندان خیانت، موجودیت خود را در بیسوادی و بی‌خبری توده‌ها میدانست و در این راه کوشا بود. امام خمینی در این مورد می‌گویند:

تمام گرفتاریهایی که ما در طول این مدت تاریخ داشتیم، بهره‌برداری از جهالت مردم بوده، جهالت مردم را آلت دست قرار دادند و برخلاف مصالح خودشان تجویز کردند. اگر علم داشتند، علم جهت‌دار

داشتند. ممکن نبود که مغربین بتوانند آنها را به یک جهتی که برخلاف آن‌میسری است، که مسیر خود ملت است، تجویز کنند. یکبار در دوران پهلوی پدر و دیوار در زمان زمامداری شوم پهلوی پدر، «تعلیمات اجباری» و «مبارزه با بیسوادی» اعلام شد، که کلا فاقد محتوای واقعی بود. تعداد بیسوادان کشور نه تنها تقلیل نیافت، بلکه با توجه به رشد جمعیت، سال بسال افزوده شد. نظام طبقاتی سرمایه‌داری وابسته با باری از رسوبات اقتصاد و سنت و رسوم قنودالی نمیتوانست برای توده‌های مردم، فشارتک علم و آگاهی باشد. این نظام دست‌نشانده امپریالیسم ماموریت تنگنیش، سلطه فرهنگ طبقاتی و نواستعماری بر کشور ما و نگاهداشتن مردم در بی‌خبری و جهل بود و این خیانت را به کمال انجام داد.

انقلاب خلقی ما، سرایست مشعل سوادآموزی و دانش‌اندوزی را، از درون کاکهای رفیع طبقات‌مرفه و ممتاز، به‌خانه‌ها و کلبه‌های محرومان جامعه آورد، پرتو علم را بر آنها بتاباند و سلطه زر را بر علم درهم شکند. با توجه باین وظیفه خطیر، از یکسال پیش نهضت سوادآموزی کار خود را آغاز کرد و هم‌اکنون سمنار مسئولان این جنبش گسترده خلقی، در تهران تشکیل شده، تا کار گنشت خود را بررسی کند، نقائص و نارسائی‌ها را مشخص سازد و برنامه کار آینده خود را پی‌ریزی نماید.

هیچکس متوقع آن نیست که کار یکساله جهاد با بیسوادی میرا از عیب و نقص باشد، زیرا این جهاد مهم در حصار همان مشکلاتی بوده، که انقلاب بطور کلی با آن سروکار داشته است. امام خمینی در این باره می‌گویند:

در این یکسال آلتوری که باید مردم اقبال کنند و وسائل فراهم باشد برای نهضت سوادآموزی، تشنه است، ولی امیدوارم که بعد بشود.

این سخن امام خمینی هم توده محرومی را که تاکنون دسترسی به سوادآموزی نداشته است، در برابر وظیفه مهم آموختن قرار میدهد و هم مسئولان کشوری را در برابر وظیفه مهم ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی برای پیشبرد هدف خطیر ریشه کن ساختن بیسوادی.

آنجا که پای توده محروم بیسواد مطرح است، امام خمینی خطاب به آنان می‌گویند:

روستائیان و سایر قشرهای بیسواد بدانند که این خدمت، خدمتی است که باید آنها به جان و دل قبول کنند و اینطور که گمان کنند، ما نمسی‌توانیم. اینطور نیست. هر انسانی میتواند سوادآموزی کند و میتواند انسان شود. علم از مهد تا لحد

است، از بیجگی تا نزدیک مردن است. امام خمینی با آرزوی فراهم آمدن امکانات برای نهضتی که باید شامل فرزندان علم تا دورافتاده‌ترین روستاهای ایران باشد، در واقع توجه مسئولان کشوری را به اهمیت ایجاد امکانات جلب‌میکند. بدیهی است که در برابر مسئولان مملکتی در این زمینه، وظیفه دشواری قرار دارد. هم باید جنبش سوادآموزی را بنا امکانات مادی تامین کرد، تا بتواند کلاس و کتاب و قلم را نه فقط در دسترس اقشار بیسواد شهرها قرار دهد، بلکه به کلبه‌های روستائی برسد، و اینکار نیاز به بودجه کافی دارد؛ و هم باید نیروی انسانی لازم را در این راه بسیج کرد و از پاسوادان همه‌اقتدار و طبقات در این راه مدد گرفت، زیرا جز با تجویز سپاهی از سوادآموزان، ریشه کن ساختن بیسوادی این بلای جامعه انقلابی‌ما میسر نیست. در ضرورت تجویز و بسیج همگانی است که امام خمینی می‌گویند:

«جوان‌ها، پیر‌ها، بچه‌ها، روستائیان، شهری‌ها همه باید کمک کنند به این امر مهمی که تمدن شما اسلام شما، انسانیت شما و همه چیز شما تابع آنست، وابسته به آنست، تربیت کنند اینها را».

امر خطیر مبارزه با بیسوادی، در واقع انقلابی است در داخل انقلاب، که باید کیفیت معنوی جامعه ما را متحول سازد، به توده‌های وسیع خلق آگاهی دهد و آنانرا به مبارزان آگاه انقلاب تبدیل کند. برای به‌فرجام رساندن این انقلاب عظیم باید همه نیروها و همه امکانات را یکبار گرفت و با توجه به رشد سالانه جمعیت، چنان برنامه‌ریزی کرد که در کوتاه‌ترین زمان به درمان این بیماری خطرناک توانا شد. باید آفتدر مدرسه بسازیم که هر سال میلیونها کودک پشت در مدارس باقی نمانند؛ چنان که تربیت کادر آموزشی همت گماریم، که هیچ مدرسه و هیچ کلاسی فاقد معلم نباشد. مفهوم سوادآموزی را به خواندن و نوشتن خلاصه نکنیم و بویژه در مورد خردسالان و نوجوانان و جوانان، آنرا به سطح دانش و فن ارتقاء دهیم، تا این نسل بالنده قادر به رفع نیازهای جامعه خود باشد. با توجه به نقش عظیمی که زنان در مبارزات ضد امپریالیستی و ضداستبدادی قیل از انقلاب و در جریان انقلاب داشته‌اند، به امر ریشه کن ساختن بیسوادی در میان زنان اهمیت کافی قائل شویم، زیرا اینان سازندگان نسل آینده این مرز و بوم‌اند.

در یک کلام، همه بازوها و منرها را یکبار اندازیم، و از همه تجارب بیاموزیم، تا توفیق در حل این معضل بزرگ اجتماعی را بی‌بروز کرد سازیم.

حمله عده‌ای ناشناس به محل فروش نامه «مردم» در قم

گروهی ناشناس، غروب روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۵۹، به مغازه‌ای، واقع در خیابان ارم، که نامه «مردم» را هم می‌فروشد، حمله کردند. مهاجمین پس از پاره کردن روزنامه‌ها، با تهدید از فروشنده خواستند که دیگر نامه «مردم» نفرشد. بنا به اظهار فروشنده، چند پلیس شهرتائی که، در آنجا حضور داشتند، عکس‌الملی نشان ندادند. پس

خلق امتحان...

بقیه از صفحه ۱

برانگیخته است، بی‌بجوجه پذیرفتنی نیست. آنها در جنگ با تجاوز آمریکایی دارودسته صدام خون میدهند، در مقابل چشمان خویش تکوین توطئه‌های خطرناکتر امپریالیسم آمریکارا مشاهده می‌کنند، ولی کسانی که مردم آنها را به قدرت رسانده‌اند، در پشت‌جبهه انقلاب به جنجال‌سازی برسرسکب «مقام» مشغولند و این توده را بکلی از یسار برده‌اند، تشریبات و قلمبائی، خائنه تخم تفرقه می‌پاشند و بسود ضدانقلاب کار می‌کنند. یگانه امام خمینی، این «روسا و دولتمردان»، «بیدار» نیستند و خلق را به فراموشی سپرده‌اند و خلق از زبان امام مترض و پرسشگر است:

«روسا و دولت‌مردان بیدار بشوند، مخلصه را ترک کنند. این منظره‌ها را بیستاد این جوانهایی که خون خودشان را در راه اسلام داده‌اند، بیستاد این جوانهایی که شما را به این مقام رسانده‌اند بیستاد و دست از مخلصات بردارند... از روی خون شهدا نگذردید بدون نظر و برای مقام نتوان کنید باهم».

آری، کشمکش میان مسئولان و ایجاد تحریک و تشنج در جبهه داخلی، آتم درست در جبهه جنگ عادلانه و تدافعی با تجاوز آمریکایی دارودسته صدام در آستانه تدارک و انجام توطئه هتم امپریالیسم آمریکای، نه تنها امری عادی نیست، نه تنها بسود انقلاب نیست، بلکه درست‌بفتح

ما باید...

بقیه از صفحه ۱

تهدید باعث شد که امپریالیسم آمریکا در برابر شوروی و کوبا تمهید بسیار که هرگز به کوبا حمله نکند و تاکنون نتوانسته حمله کند، پس ما باید به سلاحی که بتواند جواب ضربه انتقامی آمریکا را بدهد، مجهز بشویم. اما مسئله دوم اینست که سلاحهای ما آمریکائی است و داریم با آمریکا می‌جنگیم، ما هم‌اکنون سلاحهای روسی داریم و داشتیم. اینطرف تانک روسی است، آنطرف جبهه تانک روسی است. سلاح وقتی منابعش متعدد باشد، وقتی ملتی مستقل باشد

توطئه گران امپریالیست و مزدوران داخلی آنها، که درصدد نابود کردن جمهوری اسلامی ایران هستند، تمام میشود و بهمین دلیل نیز خشم و ناپاوری توده مردم را، که خون در پای نبال انقلاب میدهند، برانگیخته و این خشم و ناپاوری در سخن رهبر انقلاب متجلی شده است.

«باید امتحان بشویم». این سخن امام خمینی است. و در واقع نیز همه در بویه تجربه غنی انقلاب، امتحان میشوند و با کردار و گفتار خویش، صلاحیت یا عدم صلاحیت خویش را به خلق می‌نمایانند. تمامی ادعاهای تامین «آزادی» رفاه برای مردم و اعتقاد و وفاداری به دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در «بست‌ها» و «مقامها» به محک می‌خورند و بی‌یادگی یا صحت آنها نمایان میشود.

آری، اکنون همگان دوران آزمایش خود را میکذرانند و بیشک کسانی که به خون مردم بی‌توجهند و از روی آن برای دستیابی به «مقام» و ارضای خودخواهیها و جاه‌طلبیهای خویش، راه می‌کشایند و در آستانه تکوین توطئه هتم امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خواسته و ناخواسته زمینه‌های تفرقه و چنددسته‌گی و تضعیف نیروی متحد خلق را فراهم می‌آورند و امکان موفقیت توطئه را افزون می‌کنند، از این آزمون سر بلند بیرون نخواهند آمد.

خلق امتحان خود را داده است. اینک نوبت کسانی است که به نیروی خلق و برای خدمت به خلق به «مقام» رسیده‌اند.

و حاکم بر سرنوشت ملی خویش باشد، بدست آوردن سلاح نمی‌تواند هیچ خللی در اراده او رد حاکمیت او و در آزادی و کرامت او بوجود بیاورد. پیامبر اکرم در جنگها گاه از شرکان و قبایل کافی اسلحه می‌خرید و با کفار دیگر می‌جنگید و گاه به اندازه کافی پول نداشت و زره و شمشیر از کفار اجاره میکرد. جلال‌الدین فارسی افزود:

«من پیشنهاد می‌کنم مجلس شورای اسلامی یک کمیسیون ویژه‌ای تشکیل دهد و مسئله را بررسی کند، باید به ضربه امپریالیسم آمریکا با سلاحی که بدست می‌آوریم و به دست ارتش نبود و دایر اسلامی خویش می‌سپاریم، جواب داده شود».

میدان تیر آبادان بیلاکت رساندند. عصر جمعه نیز رزمندگان اسلام چند سنگر مزدوران صدام تکریتی و نیز یک چادر مهمات دشمن را در حوالی مارد منهدم کردند و چند تن از افراد دشمن را کشتند.

بگزارش خبرگزاری پارس از آبادان: «جمعه گذشته دو فرزند هلیکوپتر عراقی در حاشیه جاده آبادان - ماهسیر در حال پرواز کوشیدند که مواضع رزمندگان اسلام را هدف راکت‌های خود قرار دهند. اما آتش پدافند ضد هوائی نیروهای ایرانی مجال فعالیت به آنها ندادند و هلیکوپترها مجبور به فرار شدند.

در یک عراقی نیز، که ساعت ۱۹:۱۵ روز جمعه وارد حریم فضائی آبادان شدند، بر اثر آتش ضدهوائی ارتش اسلام ناچار به

مجرور شدند. بر پایه همین گزارش «مزدوران عراقی در بیست و چهار ساعت گذشته با توپخانه دوبردر خود مناطق مسکونی کسر آبادان را هدف آتش قرار دادند که به چند منزل مسکونی خساراتی وارد آمد».

سختگوی امدادگران شهرستان آبادان در تماس با خبرگزاری پارس اعلام کرد: «در روز گذشته یک تن بر اثر اصابت خمپاره در آبادان شهید و ۱۸ نفر دیگر مجروح شدند». به گزارش خبرگزاری پارس: «عصر شنبه در جبهه آبادان درگیری بین نیروهای مدافع انقلاب و مزدوران یعنی عراق همچنان ادامه داشت و دلاران جمهوری اسلامی ایران با شلیک توپ ۱۰۶ میلیتری دو دیدم‌بان خمپاره‌انداز دشمن را در حوالی

انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۱

بر پایه همین گزارش «در حوالی روستای مارد با آتش توپخانه رزمندگان انقلاب دو تانک ازتس مزدور عراق منهدم شد و از حرکت سه تانک دیگر آنان جلوگیری بعمل آمد. همچنین در این جبهه چند سنگر افرادی مزدوران یعنی منهدم شد و تعدادی از آنها به هلاکت رسیدند».

این گزارش حاکیست که دیواره آتش توپخانه میان رزمندگان اسلام از یکسو و مزدوران صدام تکریتی از سوی دیگر بریزور نیز در جبهه‌های آبادان جریان داشت و در این درگیریها، دوتن از رزمندگان

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

درباره همزیستی مسالمت آمیز و «سازش ابرقدرتها»

اطلاع ناقص و علم نیمه‌کاره، گاهی از عدم اطلاع مطلق و ندانستن مطلق خطرناک‌تر است، زیرا اطلاع ناقص و علم نیمه‌کاره در دست کسانی که نمی‌دانند که نمی‌دانند، به آلت تخریب مبدل می‌شود. واگر غرض نیز وارد معرکه شود، تخریب قوت صدچندان کسب می‌کند.

برخی‌ها با خواندن جزوهای چند، منتشره از جانب "سیا" و یا "تربچه‌های بوک" ساخته "سیا" در "رد مارکسیسم" و یا "افشای روزیونیسم"، خود را متبحر در مارکسیسم می‌پندارند و چون زندگی مست بر این دانش شگرف و جهان بینی انسانی می‌تازند، بعضی‌ها، که حتی این جزوات را هم نخوانده‌اند، با نقل قول به "رد مارکسیسم" می‌پردازند و به اصطلاح معروف "سینه به سینه"، افسانه‌های ضد مارکسیستی را از خود به دیگران منتقل می‌کنند و در هر انتقال چیزی هم بر این افسانه‌ها از خود می‌افزایند.

ما به همه کسانی که درصدد "رد مارکسیسم" برمی‌آیند، دوستانه توصیه می‌کنیم که اول، خود مارکسیسم را از منابع خود مارکسیسم بیاموزند و پس از آن، در قدم دوم به "رد" کردن "چیزی بریزند که از آن اطلاع کامل و یا لااقل اطلاع کافی دارند. انتشارات و مطبوعات حزب توده، ایران آن منابع اصیلی است که هر جوانی خواهد توانست با مراجعه به آن‌ها از حقایق سیاسی و اجتماعی آگاهی واقعی حاصل کند.

در این سطور می‌خواهیم به صورت موجز و ملخص، مسئله "همزیستی مسالمت آمیز دولتهای دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف" را مورد بررسی قرار دهیم. شرح این مسئله امروزه بویژه از آن لحاظ اهمیت و فعلیت کسب کرده است که عده‌ای از انواع "سیاستمداران" و "نظریه پردازان" می‌گویند ثابت کنند که: بلی، شوروی با آمریکا ساخته و دنیا را با او تقسیم کرده - مگر نه اینست که شوروی سالهاست مسئله "همزیستی مسالمت آمیز" را مطرح کرده؟! پس همزیستی یعنی چه؟ و برای چه هدفی است؟

برای حفظ صلح، راه دیگری جز اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز وجود ندارد.

برای اثبات صحت خط مشی "همزیستی - مسالمت آمیز دولتهای دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف"، حداقل این دلیل را می‌توان آورد - و به تنهایی این یک دلیل کافی است - که: در صورتی که این خط مشی را مردود بدانیم، آن وقت باید خط مشی حرکت به سوی جنگ سوم جهانی را، که حتما جنگ موشکی - هسته‌ای خواهد بود، قبول کنیم. و این جنگ سوم - در حالی که ذخائر سلاح‌های هسته‌ای موجود در انبارهای دولت‌های جهان کفاف چندین بار ویران کردن سرتاسر کره زمین را می‌دهد - اگر درگیرد، به احتمال قوی، از نوع بشر نمونه‌های در دنیا باقی نخواهد ماند، و اگر هم بماند، جز عده‌ای معلول بر روی تل خاکستری که تا دهها سال اشعه مرگ از آن خواهد زائید، چیز دیگری نخواهد بود. با سلاح‌های جدید و جدیدتری که هر سال برزادخانه جهانی اضافه می‌شود، دورنمای نتایج یک جنگ سوم جهانی صورت به مراتب وحشت‌انگیزتری به خود می‌گیرد.

پس در حالی که جامعه بشری در مسیر رشد تاریخی خود به دوراهی رسیده، که یک راه به سوی جنگ سوم موشکی - هسته‌ای جهانی می‌رود و راه دیگر راه جلوگیری از بروز این جنگ است - در چنین دورانی، از کدام راه باید رفت و وظیفه انقلابیون جهان و در پیشاپیش آنها وظیفه مارکسیست‌ها و پیروان سوسیالیسم علمی، در قبال خطری که نسل انسان را تهدید می‌کند، چیست؟ آیا باید به سوی جنگ جهانی موشکی - هسته‌ای رفت و یا باید از آن جلوگیری کرد و بشر و فرهنگ آن را از خطر نابودی حفظ کرد؟

برای کلیه کسانی که از عادی‌ترین خرد انسانی برخوردارند، پاسخ این سؤال روشن است: باید با تمام نیرو از بروز جنگ جهانی موشکی - هسته‌ای جلوگیری کرد. و این ممکن نیست مگر این که دولت‌های دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف، و قبل از همه دولت‌های سیستم سوسیالیستی و دولت‌های سیستم امپریالیستی - که بزرگ‌ترین تضاد جهان امروز، تضاد میان این دو سیستم است - با هم در چارچوب اصول همزیستی مسالمت آمیز زندگی کنند، اصولی که، اگر مراعات شود،

بروز جنگ جهانی را غیر ممکن می‌سازد. پس این که اتحاد شوروی و همچنین سایر کشورهای سوسیالیستی و بسیاری از دولت‌های ضد امپریالیست و همه نیروهای هوادار صلح و مخالف جنگ، برچم سیاست همزیستی مسالمت - آمیز را به دست گرفته، برای این نیست که گویا شوروی می‌خواهد با آمریکا شراکتا دنیا را تقسیم کند، بلکه برای حفظ بشر از خطر نابودی است و در شرایط امروز جز این، هیچ راه دیگری وجود ندارد.

مبارزه در راه همزیستی مسالمت آمیز یک مبارزه ضد امپریالیستی است

اصول عمده سیاست همزیستی مسالمت آمیز عبارتست از:

- ۱) احترام به استقلال و حق حاکمیت دولتهای،
- ۲) عدم مداخله در امور داخلی کشورها،
- ۳) امتناع از صدور ضد انقلاب و یا صدور انقلاب به کشورهای دیگر،
- ۴) حل کلیه اختلافات میان دولتهای از طریق مذاکره و مسالمت،
- ۵) امتناع از استعمال زور و یا تهدید به استعمال زور در مناسبات میان دولتهای،
- ۶) گسترش مناسبات همکاری بر پایه برابری و سود متقابل میان کشورها،

۷) خلع سلاح عمومی و اصول نظیر... اگر همه این اصول مراعات شود: اولاً - خطر بروز جنگ سوم جهانی و امحای نوع بشر به طور قطع از میان خواهد رفت و ثانیاً - راه پیروزی انقلاب‌های رهایی بخش خلق‌های نازیباز خواهد شد. مگر نه اینست که همه آن انقلاب‌های رهایی بخشی که رزک شده‌اند و یاد رنیمه راه جوانمرد گشته‌اند (از جمله نهضت ملی شدن نفت در ایران، حکومت آلبینده در شیلی، حکومت سوگارتو در اندونزی و غیره) در نتیجه مداخله امپریالیسم جهانی و صدور ضد انقلاب توسط امپریالیسم، به ویژه آمریکا، کارشان به ناکامی و انحراف کشیده؟ لذا ما حق داریم بگوئیم که همزیستی مسالمت آمیز، علاوه بر دفاع از صلح، در واقع یک مبارزه بزرگ همگانی خلق‌های جهان علیه امپریالیسم نیز هست. اگر در نظر بگیریم که امپریالیسم فقط با نقض اصول مذکور در بالا می‌تواند مقاصد راهزانه خود را اجرا و به حیات خود ادامه دهد، آنوقت باید قبول کنیم که تحمیل همزیستی مسالمت آمیز - بر امپریالیسم، علاوه بر حفظ صلح جهانی، در واقع مبارزه انقلابی جمیع بشر علیه سیستم خون آشام سرمایه‌داری جهانیست.

برخی‌ها می‌گویند: اگر طبق اصول همزیستی مسالمت آمیز، "صدور انقلاب" نیز به همراه "صدور ضد انقلاب" جزء کارهای ممنوع است، پس این به معنای "سازش با امپریالیسم و ضد انقلاب جهانی" نیست؟ این افراد باید بدانند که اولاً - همزیستی مسالمت آمیز به مناسبات میان دولتهای مربوط است و در میان ایدئولوژی‌ها هیچگونه همزیستی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ثانیاً - "صدور انقلاب" کار دولت‌ها نیست و همانطور که امام خمینی صریحاً اشاره کرده‌اند، ماهم که در ایران از "صدور انقلاب" خود سخن می‌گوئیم، منظورمان ایدئولوژی و اصلاحات "کشورگشایی" نیست. انقلاب در هیچ کشوری از طریق "صدور" از کشور دیگر، نمی‌تواند وجود بیاید. انقلاب در هر کشوری کار خلق خود آن کشور است که باید با الهام از نمونه زنده انقلاب دیگر خلق‌ها و پشتیبانی معنوی سایر خلق‌ها، خود خلق‌ها به پایا خیزند.

همزیستی مسالمت آمیز را نباید به معنای تمنا و تقاضا از امپریالیسم تصور کرد. در پشت سر خط مشی همزیستی مسالمت آمیز اولاً - اراده خلل ناپذیر بشر برای حفظ صلح جهانی و ثانیاً - نیروی عظیم مادی و معنوی و قدرت دفاعی و اعتبار سیاسی جهان سوسیالیسم و همه کشورهای ضد امپریالیست و همه نیروهای صلح دوست قرار دارد. این دو عامل بزرگ، همزیستی مسالمت آمیز را بر امپریالیسم جنگ طلب تحمیل می‌کنند و اصول نامبرده همزیستی مسالمت آمیز را، تا آنجا که بتواند، برخلاف اراده امپریالیسم اجرا می‌کند و به مناسبات روابط بین المللی مبدل می‌سازد.

«سازش ابرقدرتها» یک نظریه

امپریالیستی - مائوئیستی است

خط مشی همزیستی مسالمت آمیز دولت‌های دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف را لنین، رهبر و بنیان‌گذار نخستین دولت

سوسیالیستی جهان بر اساس برخورد علمی و انقلابی به جهان موجود، طرح و تدوین کرد و در مدت ۶۳ سالی که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر گذشته، همواره بنیان سیاست خارجی دولت شوروی را تشکیل داده است. این از آنجا ناشی می‌شود که اولاً - جنگ محصول جامعه مبتنی بر استثمار و تضاد طبقاتی است و جامعه سوسیالیستی، که استثمار انسان از انسان و تضاد طبقاتی و ستم ملی را نابود می‌سازد، به اقتضای سرشت خود، مخالف جنگ برادرکشی و تجاوز و تعدی است. ثانیاً - سوسیالیسم به حقانیت تاریخی خود اعتقاد دارد و نیازی به آن نمی‌بیند که برای رواج ایدئولوژی سیاست خود در کشورهای دیگر، دست به جنگ بزند. سوسیالیسم با نمونه خود نشان می‌دهد که نظام فارغ از جنگ، استثمار، فقر، بی‌عدالتی و ستم ملی است.

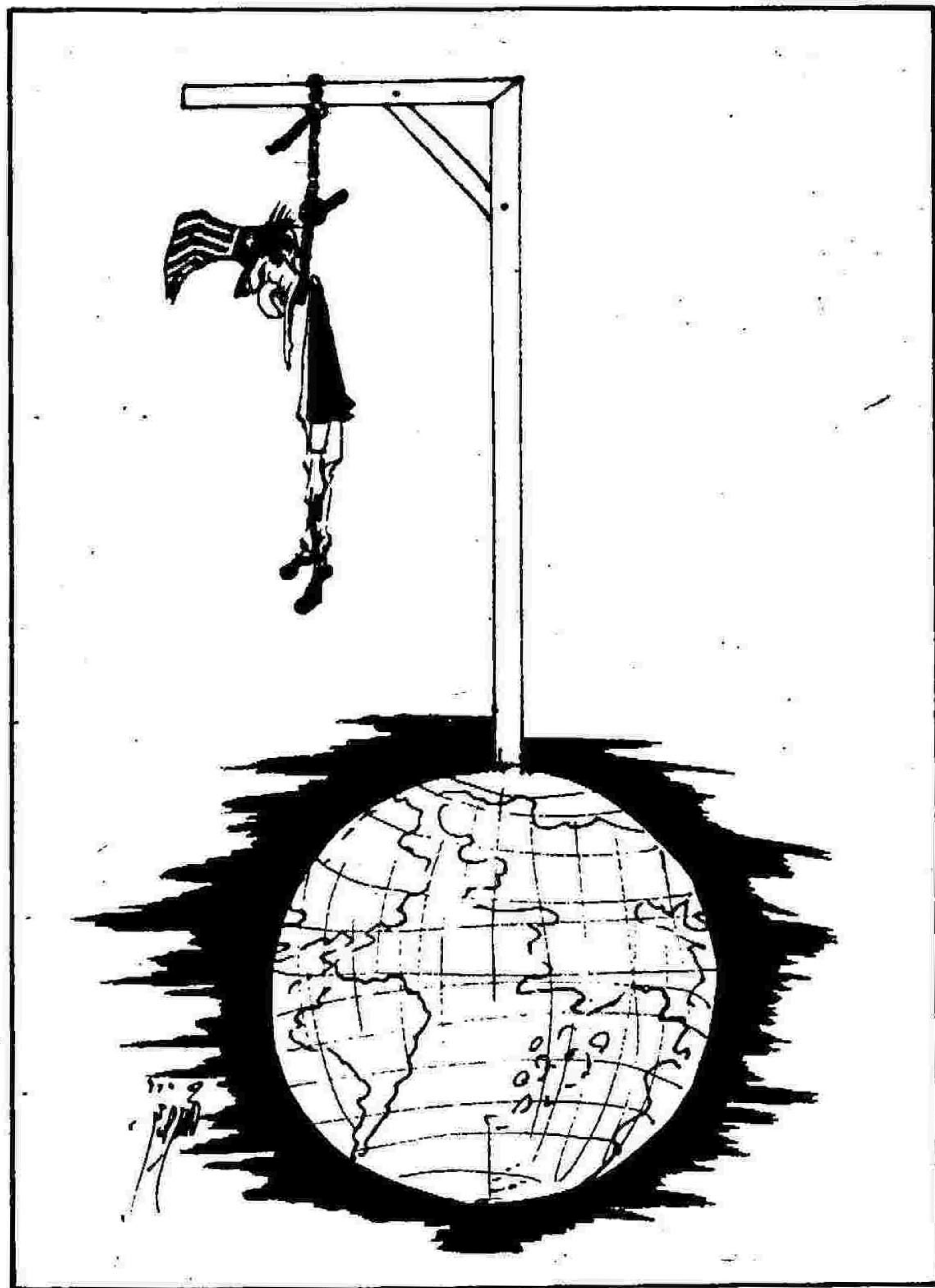
اگر همزیستی مسالمت آمیز به معنای "سازش شوروی با آمریکا"، به معنای پشت پا زدن به اصول انترناسیونالیسم پرولتری و همستگنی انقلابی خلق‌ها و پشت کردن به جنبش‌های رهایی بخش خلق‌ها، به معنای "تقسیم جهان با آمریکا" و "حق السکوت" در برابر این "تقسیم" می‌بود، آنوقت پس از پیدایش دولت شوروی می‌بایست جنبش انقلابی جهان تعطیل می‌شد و با امپریالیسم هم طبق اصل "سازش و تقسیم"، به اندازه سوسیالیسم "سهم می‌برد". ولی به طوری که همه جهان می‌بینند، اولاً - پس از پیدایش دولت شوروی نه تنها جنبش انقلابی جهان تعطیل نشده، بلکه برعکس، سال به سال شدت و وسعت بیشتری یافته است. ثانیاً - جنبش‌های رهایی بخشی در جهان وجود ندارد که بدون پشتیبانی معنوی و مادی اتحاد شوروی پیروز شده باشد و یا توانسته باشد این پیروزی را حفظ کند. ثالثاً - این چه "سازش و تقسیمی" است که مرتباً سرمایه‌داری می‌بازد و مرتباً سوسیالیسم می‌برد؟ آیا "آمریکا" یا "شوروی" توافق کرده که مرتباً در دنیا بر قلمرو سوسیالیسم و رژیم‌های ضد امپریالیستی و مستقل افزوده شود؟

بی‌خبران و بی‌مغرضان، مخصوصاً دوران پس از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی را (۱۳۳۵) دلیل "تهاجم خود بر اصل همزیستی مسالمت آمیز" می‌آورند. اینان می‌گویند: نه خیر، دولت شوروی در ابتدا

"انقلابی" بوده و پس از کنگره بیستم به راه "روزیونیسم" و "سازش با آمریکا" افتاده است. نشو و نما کنندگان این مدعی مائوئیستی به این سؤال چه پاسخ می‌دهند که: اگر حرف آن‌ها درست است، پس چگونه است که پس از سال ۱۳۳۵، در دهها کشور جهان و از جمله در الجزایر، سوریه، ویتنام، آنگولا، اتیوپی، یمن - دمکراتیک، لیبی، افغانستان، کامبوج و غیره یا پشتیبانی معنوی و مادی کشورهای سوسیالیستی و در نوبت اول اتحاد شوروی، انقلاب‌های ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه خلقی و سوسیالیستی پیروز شده است؟ مگر در همین دوران نبود که اتحاد شوروی برای دفاع از کوبای آزاد، در بحران کارائیب تا حسان ترین مدارج خطر جلو رفت و وظیفه انترناسیونالیستی خود را نسبت به کوبای از بندرسته انجام داد؟

انقلاب شکوهمند ایران نیز در شرایط مبارزه جهانی در راه همزیستی مسالمت آمیز پیروز شد. بر مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز بود که در کرمان اوج انقلاب شکوهمند ایران، دولت شوروی اخطار کرد که محل سرنوشت ایران مختص خود مردم ایرانست و او مداخله هیچ دولتی را به هیچ بهانه‌ای در امور ایران - یعنی صدور ضد انقلاب به ایران را - تحمل نخواهد کرد. و اتحاد شوروی این اخطار را پس از پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران نیز تکرار کرده است.

پس بر همه کسانی که در سرنوشت خلق و انقلاب تأثیری دارند، واجب است که بسیار مواظب باشند تا مبادا ندانسته در دام مظلوم‌های دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی - مائوئیستی بیفتند. کسی که به سرنوشت بشر و سرنوشت خلق خود می‌اندیشد، نمی‌تواند مخالف اصل همزیستی مسالمت آمیز باشد که جهات عمده آن را به اختصار بیان کردیم. آیا همه حرکتها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها برای رهایی انسان، برای سعادت انسان و برای شکوفایی جامعه بشری نیست؟ پس باید نسل امروز بشر بتواند کشتی بزرگ انقلاب جهانی را، بی آنکه به صخره جنگ جهانسوز اتنی بخورد، از میان امواج پرتلاطم عمر ما بگذراند. اطمینان داریم که عقول و قلوب هشیار و روشن خلق ما هم این مسئولیت تاریخی را به خوبی درک می‌کنند.



قلب زحمتکشان برای انقلاب می تپد!

جنگ تحمیلی رژیم صدام که ششمن توطئه از مجموعه توطئه های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است، هم اینک سبب شده است که خون هزاران مبارز شریف و دلیر ایرانی بر زمین ریخته و این خون دلاوران ایران است که سدی در برابر پیشبرد مقاصد آزمندانده امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ایجاد کرده است. زحمتکشان کشور ما، در عین سختی و تنگدستی، آگاهانه و پرشورانه مقابل با توطئه های آمریکا برخاسته و نگذاشته اند که کمبودها و دردهای سبب ساز بی تفاوتی آنها نسبت به انقلاب کرده، آنان با جان و دل از سنگر انقلاب دفاع می کنند و حاضرند تا آخرین قطرات خون خود را نیز در راه مبارز ساختن نهال انقلاب بدهند.

صفت زحمتکشان ایران، هر روز که میگذرد در مقابل صف خم انقلاب فشرده تر و استوارتر می شود. در این میان زحمتکشان بیمارستانها، که اینک در زمان جنگ بویژه با مسئولیت های سنگینی روبرو هستند و وظایف خود را بنحوی احسن انجام میدهند. برای آگاهی از نظریات و خواسته های کارکنان بیمارستان امام خمینی، به این بیمارستان میرویم.

این بیمارستان جز ۵۰ در صد بیمارستانهای موجود در تهران است که زخمیه های جنگ را می پذیرد. کارکنان این بیمارستان از خدمه ساده تا هیپاران و پرستاران و پزشکان شبانه روز در تلاش مداوم از زخمیه های جنگ هستند. آنان در عین اینکه خواسته های صافی فراوانی دارند، از کمکهای بیدریغ به جبهه خودداری نورزیده اند. آنان دوروز از حقوق آبان ماه خویش را به جنگ زدگان و جبهه اختصاص داده اند. از بیمارستان امام خمینی تعدادی بسیار پرستار و پزشک داوطلبانه برای خدمت به زخمیه های جنگ به جبهه رفته اند.

در بیمارستان از آغاز جنگ ستاد بسیج تشکیل شده است که تا حدودی به کارکنان این بیمارستان تعلیمات نظامی داده است. هم چنین ستاد بسیج بیمارستان تا حدودی توانسته است مقررات و امکانات ایمنی را در مقابل حملات هوایی دشمن ایجاد کند. با یکی از کارکنان بیمارستان بنام حسن کریمی که در بیمارستان به کار باغبانی اشتغال دارد، صحبت کردیم. حسن کریمی، عماله، گفت:

"بیمارستان حق ممکن و خوار بنا نمیدهد. اکنون دو سال است که مستاجر نشینم و از حقوق ناچیز خود ماهی ۵۰۰ تومان به ما حیفانه می دهد. هم با تنگدستی زندگی میکنم. دو پسر دارم که یکی داوطلب جنگ شده است. انجمن می خواهد که ما را در جنگ با آمریکا پیروز گرداند. تمام بدبختی های ما از آمریکاست." و این چنین است که زحمتکشان ما، در عین تنگدستی، قلبهایشان برای انقلاب می تپد.

نگاهی به وضع شرکت پردیس و مسائل مرغداریها:

با اتخاذ سیاست های درست

سایر مرغداریها گرا نتزمی شود. در نتیجه تقاضا برای خرید از این مرغداریها کم میشود و بالطبع آنها در رقابت با مرغداریهای دیگر دچار ورشکستگی می شوند. ویس از مدتی آزادانه کار با زمینها ۲- با تعطیل شدن مرغداریها بدون شک بازار نیز دچار کمبود مرغ خواهد شد با کمبودی که بوجود می آید، سودجویان و عوامل فساد انقلاب سعی خواهند کرد قیمت را بالا ببرند و از این طریق نا رضایتی را در بین مردم افزایش دهند. البته این گران تنها بردوش زحمتکشان سنگینی خواهد کرد. ۳- کارگران نیز با تعطیل شدن مرغداریها بیکار خواهند شد و بر تعداد بیکاران خواهند افزود.

با اقدامات قاطع میتوان این مشکلات را حل کرد، و این وظیفه مسئولین است که راه حلهای مناسب را جهت رفع مشکلات بکار گیرند، اقداماتی نظیر:

- ۱- طرح برنامه های مشخص برای هماهنگ کردن مرغداریها و قرارداد دادن آنها تحت نظارت وزارتخانه یا سازمان دولتی،
- ۲- اعلام قیمت رسمی برای مرغ و جلوگیری از اقدامات سودجویانه و فساد انقلابی محتکران و عوامل فساد انقلاب.
- ۳- تامین خوراک طیور و دادن وام وامکانات به مرغداریها برای تولید بیشتر توسط تعاونیها و نظارت کامل بر چگونگی کار و تولید آنها.

(مرغ زنده) است. علل مختلفی برای این کمبود وجود دارد که عمده ترین آن نبودن هماهنگی بین مرغداریهای ملی شده است. یک نمونه از این عدم هماهنگی، نداشتن مرکزیت و برنامه مشخص برای اداره آنهاست. مرغداریها پس از ملی شدن هر یک تحت نظارت سازمانهای مختلفی قرار گرفتند. تعدادی زیر نظر وزارت کشاورزی فعالیت کردند، تعدادی زیر نظر سازمان صنایع قرار گرفتند و مسئولیت تعدادی را هم جهاد سازندگی پذیرفت. بعضی از آنها نیز بطور آزاد محصول کار خود را پخش کردند. این مسئله باعث شد تا دو نوع قیمت برای مرغ در بازار وجود داشته باشد، یکی با قیمت هر کیلو ۲۱۰ ریال، که از طریق شرکتهای تعاونی و بوسیله شرکت پردیس تهیه می شود. نوع دیگر از قرار هر کیلو ۲۳۰ ریال، که بطور آزاد در بازار توزیع میشود.

اینگونه رقابت در بازار میتواند خطرات جدی برای مرغداریها و کارگران آنها بوجود آورد، که عبارتند از:

- ۱- تعطیل شدن برخی از مرغداریها. تعدادی از مرغداریها، به علت آنکه خوراک طیور را با قیمتی گرانتر بدست می آورند و برخی علل دیگر، قیمت تمام شده برایشان بیشتر می شود. به این ترتیب بهای مرغ نیز افزایش می یابد و قیمت آن از

شرایط جنگ در بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی نارسائیهایی و کمبودهایی را ایجاد کرده است. بعلاوه تجاوز رژیم صدام به کشورمان و بمباران بعضی از مراکز اقتصادی و تولیدی از جمله پالایشگاهها، مراکز تولیدی در زمینه سوخت دچار کمبود هستند. همچنین مواد اولیه لازم به مقدار کافی در دسترس وجود ندارد. این مسائل در کنار هم روند تولیدی بسیاری از کارخانه ها را مختل ساخته و برخی از آنها را بسوی ورشکستگی و تعطیلی می کشاند. پس لازم است که با اتخاذ سیاستهای درست و بجای نداشتن کوشش خود را برای جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه ها و مراکز تولیدی ویا کم شدن تولید آنها بکار گیریم.

شرکت پردیس، نمونه ای از شرکتهایی است که به علت مسائل گوناگون، از جمله کمبود سوخت و خوراک طیور، نا هماهنگی و عدم استفاده از ظرفیت کامل خود، کمتر از ظرفیت واقعی تولید می کند. و این در شرایطی است که با کمبود مواد غذایی مخصوصا گوشت روبرو هستیم.

شرکت پردیس در تاریخ ۵۹/۲/۲۹ ملی اعلام شد. پس از آن نیز حدود ۱۳ مرغداری ملی اعلام شدند. تمام محصول این مرغداریها تقریباً در اختیار شرکت پردیس قرار می گیرد، ولی با این حال تکافوی آن را نمی کند و همواره دچار کمبود مواد اولیه

کارگران کارخانه ریسندگی پشم «هراز» آمل در مقابله با رژیم صدام و کم کاری

بایستد و سازشکاران را طرد کنند. وظیفه ما اینست که جلوی احتکار را بگیریم و سعی کنیم تولید را با لایبریم و اضافه کاری کنیم. کم کاری و اعتصاب نکنیم چون اینکار ضربه ای به انقلاب است. اگر این انقلاب پیروز شود، برای ما رفاه خواهد آورد، و مهم تر از آن، مستقل و آزاد می شویم. دشمن ملی انقلاب ایران آمریکا است. دوستان انقلاب نیز کشورهایی هستند که نیازهای انقلاب ما را تامین می کنند و اعلام همبستگی کرده اند. مثل سوریه، لیبی و الجزایر.



کارگران کارخانه ریسندگی پشم «هراز» آمل با کار و تولید بیشتر، با توطئه های آمریکا و عوامل داخلی مبارزه میکنند.

کارگران کارخانه ریسندگی پشم «هراز» آمل، با کمک به جبهه برای مقابله با دشمن متجاوز و جلوگیری از هر نوع کم کاری در کارخانه، به مبارزه علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی بر خاسته اند.

این کارخانه نخیشمی تولید می کند. قسمت عمده مواد اولیه کارخانه، کمیشم است. از خارج تا مین می شود. ماشینهای کارخانه در خارج از کشور ساخته شده اند. ولی لوازم یدکی آن در داخل تهیه می شود. در حال حاضر ۳۴ کارگر در کارخانه بصورت دوشیفت ۸ ساعته کار می کنند. تولید کارخانه بین هفتصد تا هشتصد کیلو است. در حالیکه قبلاً ۱/۲ تن بود.

مشکلات این کارخانه کمبود وسایل یدکی، از جمله رینگ دستگاها، کمبود سوخت، نداشتن روغن برای موتور برق و دنده ماشینها، و گریس است. کارگران این کارخانه در مورد جنگ و نقش کارگران در شرایط کنونی انقلاب میگویند: "عراق جنگ را بر ما تحمیل کرده و صدام نوکتر آمریکاست."

همه وزن و مرد و کوچک و بزرگ با بد در جنگ شرکت کنیم، تا انقلاب ایران را حفظ کنیم. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم دشمن شماره یک ما هستند. ما باید با کمک گرفتن از کشورهایی که دوست ایران هستند

مثل سوریه و لیبی، محاصره اقتصادی غرب در هم بشکنیم. مقامات مسئول نیز باید به وضع کارگران و کارخانه ها رسیدگی کنند، بپردازد مردم زحمتکش برسند، طرف ما را بگیرند، جلوی فساد انقلاب محکم نشد ما است.

کارگران این کارخانه برای آموزش نظامی به سپاه پاسداران آمل مراجعه کرده اند ولی به علت نداشتن سازمان صنفی - سیاسی که بتوانند نمایندگی کارگران را داشته باشد و در این زمینه فعالیت کند، این تقاضا هنوز عملی نشده است.

همچنین کارگران مبلغ سی هزار ریال پول و بیجاه کیلو برنج برای کمک به جبهه جمع آوری کرده اند.

کارخانه آجر ماسه آهکی ایران شهر چرانیمه کاره مانده است

وجود ندارد، لذا هیچ دلیلی نیست که این کارخانه نیمه کاره باقی ماند. با توجه به اینکه این کارخانه سیستم پیچیده ای ندارد که نتوان از کارشناسان داخلی و یا از کارشناسان کشورهای دوست برای برآوردن آن کمک گرفت، ولی تاکنون حتی یک امتحان هم برای اینکه بتوانیم خود در راه اندازی آن بکوشیم، بطور جدی صورت نگرفته است.

این کارخانه میتواند علاوه بر رفع احتیاجات منطقه بسیاری از بیکاران را نیز بکار گیرد و لذا ضرور است که مقامات مسئول برای برآوردن آن اقدام جدی مبذول دارند.

کارخانه آجر ماسه آهکی، که سیستم جدیدی در تهیه آجر بدون کوره آجرهای فشاری و پهنی و عمل خشت زنی است، معمولاً در مناطق دارای ماسه زیاد با صرفه خواهد بود. به این دلیل قبل از انقلاب ساختمان این کارخانه که در این منطقه منحصر بفرد است، در کیلومتر ۱۰ جاده ایران شهر - چاه بهار، در کنار ایران شهر شروع شد و تا انقلاب، هشتاد درصد عملیات ساختمانی و تجهیزات آن به اتمام رسید. ولی کارشناسان آلمانی کارخانه، به منظور در فشار قرار دادن ایران، از سرانجام رساندن کارهای عمرانی سرباز زدند و این کارخانه نیمه کاره ماند.

منطقه ایران شهر احتیاج مبرمی به آجر دارد و قیمت آجر در این محل بسیار بالاست و کوره آجرپزی معمولی هم

طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

اقدامات جهاد سازندگی گلپایگان در راه سازندگی این منطقه

نهاد انقلابی "جهاد سازندگی" با فداکاری و کوشش بی-مانند در خدمت مردم محروم روستاهاست. یکی از نمونه‌های شایان تحسین آن فعالیت جهاد سازندگی شهرستان گلپایگان است که گزارشی از اقدامات کمیته های کشاورزی، فنی و فرهنگی آن از ابتدای تاسیس، چندی پیش منتشر شد. توجه به امور روستائیان - به گفته امام خمینی - از بزرگترین عبادت-ها و فتح قلوب است که بالاتر از فتح کشورهاست و موجب تحکیم انقلاب می‌شود. خلاصی از فعالیت این نهاد چنین است:

کمیته کشاورزی با عواقب سیل گلپایگان با جدیت مقابله کرده و به تخلیه روستای فایان و انتقال خواهران و برادران ساکن این روستا و تامین غذا و مکان برای آنها پرداخته. موتورهای آب در بیش از ۱۵ روستا کار گذاشته، و در سه دهکده طرح زهکشی را انجام داد و کارهای زیادی در زمینه احیای قنوات و حفرچاه، ایجاد میان بر و سیل بندها به پایان رسانید.

روستا های متعدد گلپایگان شاهد فعالیت های پر-شمری از قبیل لایروبی و سنگ بندی قنوات، ایجاد آب برگردان، بازکردن آب بسته قنوات، پاک کردن کوره های قنوات و ... توسط کمیته کشاورزی جهاد سازندگی گلپایگان بوده-اند. تعداد طرحهای مذکور تا کنون ۳۹ مورد است.

در زمینه خدمات دام پزشکی نیز اقداماتی نظیر تحقیق درباره میزان ابتلا و تلفات دامها و نوع بیماریهای موجود در منطقه (تعداد گاو و بیش از ۲۰ هزار رأس تعداد گوسفند و بیش از ۲۵۰ هزار رأس تخمین زد می‌شود)، پیشگیری توسط واکسیناسیون (مایکوبی) دامها (بیش از ۷۰۰ هزار رأس واکسیناسیون) و دامها (بیش از ۱۰۰۰ رأس) و بهداشت مواد غذایی و محیط زندگی روستائیان و درمان ۶۰ رأس گاو و گوسفند انجام گرفته است.

پروژه شناسایی و پیشگیری بیماریهای گیاهی در منطقه گلپایگان نیز انجام شده است.

همکاری در زمینه قانون واگذاری زمین و همکاری با هیئت های ۷ نفری نیز جزء اقدامات بسیار موثر و انقلابی جهاد سازندگی گلپایگان بوده است.

کمیته فنی جهاد سازندگی گلپایگان نیز به ساختمان و تعمیر مدار برق (۶ مورد)، حمام (۶)، آب رسانی، تکمیل ساختمان یک کارخانه تولید بنبر، لوله کشی آب آشامیدنی تکمیل ساختمان یک مسجد و راه سازی و پیل سازی پرداخته است.

کمیته فرهنگی جهاد سازندگی تا کنون ۱۳ کتابخانهها ۱۲۷۱ کتاب (در مجموع) در روستا های مختلف منطقه دایر کرد است و به اجرای نمایشنامه و نمایش فیلم برای روستائیان بخش اعلامیه و پوستره های تبلیغاتی بمناسبت های مختلف، دست زد است.

پرداخت وام به روستائیان از طریق بانک صادرات و کمک به تشکیل شورا های اهلای در چهار روستا از دیگر اقدامات جهاد سازندگی است.

امیدواریم که اقدامات مفید و سازنده جهاد سازندگی گلپایگان روز بروز وسعت بیشتری یابد و کشا و ورز زحمتکش ما، پس از سالها تحمل ستم ورنج، روزهای خوبی را در پیش داشته باشند.

دهقان تهیدست:

«من جانم قربان این انقلاب است»

روستای گوی تپه، با ۴۰۰ خانوار و ۲۵۰۰ نفر سکنه، در ۷ کیلومتری ارومیه از توابع با راندوز چای و یکی از روستا های بزرگ منطقه است، اگر چه حمام و درمانگاه ندارد. در این روستا ۴۰ خانوار بی زمین هستند.

بایکی از دهقانان بی زمین بنام محرم گفتگویی داریم. او میگوید:

«من زمین ندارم و حلالا هم بیکار هستم. برادر من به جبهه جنگ رفته است. اگر ما دستور بدهد، ما ها نیز بکنیم یا نوکران آمریکا خواهیم رفت»

وی سپس اضافه می‌کند:

«ما کنون مجبور هستیم از بچه های برادر من نیز، که به جنگ رفته، مواظبت کنیم. چند روز پیش در زمینها شی که سبب زمینی کاشته شده و محصول آن برداشت شده است مقداری سبب زمینی پیدا کرده ام. انشا الله چند

وی سپس اضافه می‌کند:

«من کنون مجبور هستیم از بچه های برادر من نیز، که به جنگ رفته، مواظبت کنیم. چند روز پیش در زمینها شی که سبب زمینی کاشته شده و محصول آن برداشت شده است مقداری سبب زمینی پیدا کرده ام. انشا الله چند

شورای ده تشکیل شده است.

در روستای

«ایگدر»

۳۰ خانوار در روستای ایگدر از توابع محال بکشولچای (ارومیه) زندگی می-کنند. اکثر اهالی خرده مالک هستند. بیشتر زمین هادر دست یک خانواده مالک است. تعدادی از روستائیان نیز بی زمین هستند، که بطور اجاره ای زمین را کشت می‌کنند.

راه ارتباطی روستای ایگدر تا قریه امام زاده ۳ کیلومتر (شنی) است.

آب زراعی روستا توسط چهار حلقه چاه، که با خودیاری روستائیان ساخته شده است تهیه می‌شود.

قیمت فروش هر ساعت آب ۲۰ تومان است. اکنون یکی از چاهها خراب شده و بقیه نیز آبشان کم شده و احتیاج به تعمیر دارند.

حل مسئله زمین و واگذاری اراضی به بی-زمینها، حل مسئله آب و هم چنین تامین برق حمام و درمانگاه خواست های اساسی مردم روستاست.

جهاد سازندگی داشت با تلاق های روستا را بر می‌کرد، ولی متأسفانه این کار نیمه تمام مانده است.

جهاد سازندگی داشت با تلاق های روستا را بر می‌کرد، ولی متأسفانه این کار نیمه تمام مانده است.

جهاد سازندگی داشت با تلاق های روستا را بر می‌کرد، ولی متأسفانه این کار نیمه تمام مانده است.

جهاد سازندگی داشت با تلاق های روستا را بر می‌کرد، ولی متأسفانه این کار نیمه تمام مانده است.

ادامه قاطع فعالیت هیئت های ۷ نفری، راه نبرد با نبرد با ضد انقلابیون روستاها - این ریشه های گندیده رژیم سابق - است

روزنامه "پیام روستا" ارگان جهاد سازندگی استان یزد، در شماره هفتم خود در مقاله ای تحت عنوان "ضدانقلابیون روستا"، به افشا-ضدانقلابیون بطور کلی و خصوصاً ضد-انقلابیون در روستا های میهنمان پرداخته و با بررسی نحوه عمل آنان، نقاب از چهره زشت این غارتگران و خونخواران و دشمنان سوگند خورده جمهوری جوان و انقلابی اسلامی ایران بر گرفته است. این نشریه ضد-انقلابیون روستا را چنین معرفی کرده است:

"... بله، ضد انقلابیون را می‌گفتیم، کسانی که بقول امام ریشه های پوسیده و گندیده رژیم سابقند، بعضی از آنها در سابق به عنوان رئیس انجمن ده و یا رئیس خانه انصاف و پاکدخدا رکن پنجم ساواک عاری از مهربی را تشکیل می-دادند و بعضی زمین فروش و دلال و هدست ارباب و گروهی در فساد اخلاقی غوطه ور بودند و هم اکنون دایه دلسوزتر از مادر شده اند و مشغول سمپاشی و آبه پاس خواندن می‌باشند.

مقاله "ضدانقلابیون روستا" استفاده از ضد انقلابیون از مشکلات و نارائنی های موجود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران افشاء کرده است. در مقاله در این خصوص آمده است:

"اکثر این افراد مسائلی از

این قبیل را مطرح می‌کنند که، وضع اقتصادی ناچوار است، وسایل و لوازم زندگی گران و کمباب شده، قیمت غذا و پوشاک و گوشت و ... بالا رفته، نفت و بنزین دست تنگ است، جوانهای ما دارند نابود می‌شوند، منابع و تاسیسات نفتی مادر حال سوختن هستند، شهرهای ما خراب شده است و ... و بالاخره گروگانهای آمریکایی؟

و دست آخر هم چرا این آخوندها نمی روند دنبال کارشان؟ و دنبال مسجد و منبرشان؟ یعنی در دست همان حرفهای لیبرال ها که در شهرهای هم عنوان شد موجب شنج گردید. در مورد هدف ضد انقلابیون از این اعمال، در مقاله آمده است که:

"با این سخنان دغلاکارانه می‌خواهند مردم محروم و زحمتکش را که از صبح تا شب با ظرافت و معاش و بخاطر جنگ اقتصادی با آمریکا و جنایتکار و جنگ نظامی بانوکرسر-سورده اش صدام مزدور و بایل و کلنگ دست و پنجه نرم میکنند، مایوس و ناامید و نگران و افسرده خاطر بنمایند.

مقاله "ضدانقلابیون روستا" در پایان علت خصومت و دشمنی ضد انقلابیون نسبت به انقلاب و زحمتکشان کشورمان را اینگونه توضیح داده است:

"... نمی‌توانند قبول کنند که توروستایی و توفیق و تهیدست که لباس پاره و دست پینه بسته و

چهره استخوانی است، بریسر نازک نارنجی و عزیز در دانه او برتری داری. و بالاخره نمی‌توانند ببینند که تومیزیانی و او انگل توست و اگر می‌بینی که پینه های دست بیش از حد کلفت شده و در هنگام کار دست و بدنت رانج می‌دهد، بدلیل آنست که سهم او نیز بدست تو چسبیده است.

انقلاب مادر گیر با مسائل و مشکلاتی است ولی مردم میدانند که برخی از آنها از رژیم منفور پهلوی بجای مانده و بعضی دیگر پس از انقلاب بدست خرابکاری دشمن اصلی و شیطانهای وردست او، بوجود آمده و باعث پیداکرده اند. ضد انقلابیون یعنی سرمایه داران و زمینداران بزرگ که خود در ایجاد این مشکلات و

نارائنیها سهم بزرگی داشته و دارند، با سو استفاده از این مشکلات میکوشند که انقلاب را به شکست بکشانند. ولی این کوشش ضد انقلابی را مردم انقلابی ما و رهبری انقلاب عقیم خواهند گذاشت. بردولت و تمام مسئولان انقلابی است که با اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی در روستاها و ایجاد انواع گوناگون تعاونی ها و دیگر اقدامات بنیادی

بود زحمتکشان کشورمان، توطئه این توطئه گران و غارتگران را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خنثی سازند.

دهقانان از اوضاع روستاها و فعالیت جهاد سازندگی و سیاه فاشیست ها



دهقانان از اوضاع روستاها و فعالیت جهاد سازندگی و سیاه فاشیست ها

در جهان سوسیالیسم

در جمهوری دموکراتیک خلق کره، «آنجو» به یکی از مراکز مهم صنعتی تبدیل شده است

"آنجو"، که در صد کیلومتری شمال پیونگ یانگ واقع است، چندی است که به یکی از مهم ترین مراکز صنعت شیمی تبدیل شده است. در حدود ده سال پیش ساختمان "مجتمع شیمیایی جوانان" در اینجا آغاز گشت. این مجتمع، از جمله، کارخانه های تولید کود، پلی اتیلن و الیاف مصنوعی را در بر می گیرد. برنامه تولیدی "مجتمع شیمیایی جوانان"، که فزون بر نفت وارداتی، از مواد خام خانگی، چون ذغال سنگ و آهک، استفاده می کند، همچنین کاتوچوی مصنوعی، مواد رنگی و دارو را شامل می شود. در این مجتمع، تولید کودهای شیمیایی از اهمیت ویژه برخوردار است. "مجتمع شیمیایی جوانان" تاکنون سالیانه ۵۶۰ ۰۰۰ تن آمونیاک و کود شیمیایی تولید می کرد. اینک قرار است که تولید کود شیمیایی افزایش یابد و از این راه به برنامه تولید پنج میلیون تن در سال، که در برنامه هفت ساله جاری (۱۳۶۲-۱۳۵۷)، پیش بینی شده است کمک رسانند.

با ایجاد "مجتمع شیمیایی جوانان"، چهره "آنجو" نیز کاملاً دگرگون گردیده است. ده سال پیش تنها ۳۰۰۰ نفر در "آنجو" زندگی می کردند. اکنون این رقم به ۲۰ ۰۰۰ رسیده است. "آنجو"، که زمانی دهی بیش نبود، اینک شهری است با محله های مدرن، یک بیمارستان، یک تئاتر و چندین هتل، مدرسه، کودستان و مهد کودک.

در جهان سرمایه داری

رئیس آمریکاها به رهبران راستگرای سندیکاها کارگری کانادا

بگزارش روزنامهها، رهبران راستگرای برخی از اصطلاح سندیکاها بین المللی، که مقرشان در ایالات متحده آمریکا است، میلیونها دلار به روسای "شعب" خود در کانادا پول می دهند. هدف آنها آنست که سیاست ارتجاعی، جنگ افزوانه، شوروی سیزانه و ضد کمونیستی خود را بر سندیکاهای کانادایی تحمیل کنند.

همین چند روز پیش، خبرگزاری رسمی "کنیدین پرس" گزارشی داد که رهبران راستگرای سندیکاها چهار شعبه پولهایی دریافت می دارند، که سهم هر یک از آنها از حقوق سالیانه نخست وزیر کانادا، بیشتر است! به موجب این گزارشها، درآمد سالیانه رهبر "اتحادیه کارگران تباری" ۱۸۰ ۰۰۰ دلار است، که ۱۰۰ ۰۰۰ دلار آن از منابع سندیکاها آمریکا تامین می شود. رقم اخیر برای رهبران سه سندیکا دیگر ۸۶ ۰۰۰، ۸۰ ۰۰۰ و ۷۸ ۰۰۰ دلار است.

روزنامه بورژوازی "سیستیزن" از اتحادیه های دیگری نیز نام برده است که از همین منابع سالیانه ۶۰ ۰۰۰ تا ۵۷ ۰۰۰ دلار پول می گیرند. بگفته این روزنامه، مشکل بتوان بعد حقیقی این رشوهها را کشف کرد، چون مقر سندیکاها واحد آمریکایی - کانادایی در ایالات متحده آمریکا است.

بیزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، از نظر اقتصادی، پایگاه داخلی استکبار جهانی، سرمایه داران بزرگ هستند

بیزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی، در پاسخ روزنامه "کیهان"، درباره پایگاههای داخلی امپریالیسم گفت: "از نظر اقتصادی هم مشخصاً میتوان گفت پایگاه داخلی استکبار جهانی سرمایه داران بزرگی هستند که علاقمندی به تعدیل ثروت نیستند، در مقابل تعدیل ثروت مقاومت میکنند، همانند محترکری، سودجویان و فئودالهای بزرگ که مانع از هر برینا ما صلاحی در جامعه میشوند."

در مطبوعات کشور

توقع «حمایت از حق» از امپریالیستهای اروپائی، ینشی انحرافی است

فرد دیگری از همین اکیباز سلوغ بازار زمان جنگ استفاده کرده مسئله تجاوز عراق را مستمکی برای طرح نظریه سه جهانی نموده است. (سر مقاله ۷/۱۲ انقلاب اسلامی).

در این مقاله پس از یک مقدمه چینی به طرز امیدوارانه ای می نویسد: "بنابراین اروپا و ژاپن نیز میتوانند از این وضع در جهت رهایی و استقلال از ابرقدرت آمریکا بهره ببرند... بنابراین بر اروپا و ژاپن است که نسبت به صدام تجاوزگر اعتراض نمایند... حمایت از حق است که می تواند خود این کشورها را مستقل و آزاد سازد."

در ادامه مقاله به اروپا و ژاپن رهنمودهایی مبنی بر جدایی منافع آنها از ابرقدرتها و تشویق به استفاده از موقعیت برای بردن منافع اقتصادی داده می شود و جمله "بر اروپا و ژاپن است" چند بار تکرار می گردد و به آخر مقاله که می رسم، جهان دوم یا جهان سوم وحدت کامل پیدا کرده اند!...

بنابراین اروپا و ژاپن و کشورهای جهان سوم هستند که باید به تجاوز عراق پاسخ گویند و در برابر تجاوزگر بی تفاوت نباشند.

وقتی ینشی آنقدر انحرافی است که از تجاوزگران قهار و روباهاهای پیر استعمار متحدانی برای قربانیان چند صد ساله همانها می سازد و امید آن دارد که سبیل های تجاوز بیایند و جلوی تجاوز را بگیرند و از امپریالیستهای اروپائی توقع "حمایت از حق" دارد، طبیعی است که شبانه روز بر نیروهای خط امام

شتاب در ملی کردن بازرگانی خارجی و کوتاه کردن دست سرمایه بزرگ تجاری و واسطه ها ضرورت انقلاب است

سرمایه داران و نگاهبانان دولتی می توان از استعمار کالاها و افزایش سرمایه فیکتیشیا جلوگیری کرد

پیروزی انقلاب، رژیم وابسته و خائن پهلوی را سرنگون کرد و وساطت غارت و جپاولگریش را از میهنان بر-چید. اما پایگاه اجتماعی رژیم شاه ملعون در بسیاری از زمینه ها هنوز باقیمت رژیم خائن گذشته تابع سیاست تجار و کارانه و غارتگرانه امپریالیسم بود. از همین رو هر اقدام و تصمیم آن بی شک منافع امپریالیستها و در رأس آن آمریکا، را تامین می کرد. همین سیاست بود که نابسامانی های کشور را پیش از پیش فزونی بخشید و اقتصاد کشور را دچار ورطه شکنجی کرد و با آزادی عمل دادن به انحصارات امپریالیستی و به بزرگ مالکان و بزرگ سرمایه داران برای غارت بی حد و حصر زحمتکشان، کشور را هر چه بیشتر به سوی وابستگی سوق داد.

بر این زمینه بود که واردکنندگان کالاها و واسطه ها جپاولگری راه نهایت رساندند. بعلت کمبود کالاها لازم بود در نیاز جامعه، وارد کنندگان کالاها برای "تامین" ما بحتاج کشور، با شرکت های امپریالیستی قراردادها بی منفعت کردند و از این طریق انحصارات امپریالیستی را تارک ویی جامعه مانع خود دادند.

رژیم گذشته کالاها را به دو قسمت ضروری و غیر ضروری تقسیم می کرد، که کالاها ضروری از پرداخت حقوق گمرکی معاف بودند، البته بیشتر کالاها وارداتی "ضروری" بودند! این گونه قراردادها از چند جهت نه تنها سود مردم نبود، بلکه به ضرر آنها نیز تمام میشد:

۱- این قراردادها اکثر ساختگی بودند، بدین نظر که واردکننده کالا با شرکت مغرض قراردادی می بست، که در متن آن قیمتی بیشتر از قیمت اصلی کالانوشته میشد. پس از آنکه کالای مورد نظر وارد کشور می شد، وارد کننده کالا به همان اندازه از دولت ارز تجارتمندی می گرفت و پس از خارج کردن از کشور، مازاد پول را در بانکهای کشورهای امپریالیستی براندوخته خود می افزود. از این طریق مقدار قابل توجهی ارز، که گاه به میلیارد ها تومان می رسید، از کشور خارج می شد.

۲- کالای فوق پس از ورود به ایران، به علت آنکه جزو کالاها "ضروری" قرار می گرفت، از پرداخت عوارض و حق گمرکی معاف بود. بدینوسیله ما بر قیمتی که در متن قرار داد بود، کالا تا چندین برابر قیمت اصلی خود بفروش می رسید و سود کلان

آن نصیب واردکننده کالا می شد. ۳- کالای مورد نظر با ورود به ایران در اختیار واسطه ها قرار می گرفت. (اینها نیز به درجات کوچکتری تقسیم می شدند.) از این طریق هر کالایی، پس از چندین بار دست به دست شدن قیمت سرسام آوری می یافت. در نتیجه افزایش قیمتها، زندگی زحمتکشان با مشکلات اساسی و جدی روبرو میشد و با حقوق کمی که دریافت می کردند، نمی توانستند ما بحتاج زندگی خود را تامین کنند.

این سیاستی بود که در گذشته بر کشور حاکم بود. متأسفانه پیروزمدر زینه بازرگانی خارجی و داخلی هنوز هم سرمایه داران بزرگ و بازرگانان عمده همین سیاست را اعمال میکنند. بازرگانان عمده و واسطه ها بدلیل آنکه در گذشته سود سرشاری بدست می آوردند و تعمیق انقلاب منافع آنها را باخطر انداخته است، سعی می کنند تا به انقلاب ضربه بزنند، آنرا به گسست بکشاند و شرایطی چون گذشته را بوجود آورند. در حال حاضر نیز آنها، به مثابه یکی از فعالترین نیروهای ضد انقلاب، نقش مهمی در جهت تضعیف انقلاب ایفا می کنند.

در شرایط کنونی این گروه به انحاء مختلف میان مردم ناراضی و بدبینی نسبت به انقلاب و دستاوردهای آن ایجاد می کنند. آنها از یک سو با وارد کردن کالا، طبق همان قراردادهای گذشته، مقدار قابل توجهی ارز کشور را خارج می کنند، که در شرایط جاری می تواند ضربه جدی و جبران ناپذیری به انقلاب وارد سازد. از سوی دیگر پس از وارد کردن کالا، بجای توزیع آن در بازار، آنرا در اختیار محتکران و واسطه ها قرار می دهند. این افراد نیز از عرضه کالا به مقدار کافی به بازار جلوگیری می کنند و مقدار ناچیزی را باقیمت گزاف و بیشتر از ارزش واقعی خود در اختیار فروشندگان قرار می دهند. این کالاها را نیز تنها قشرهای مرفه جامعه می توانند تهیه کنند. لذا این کالاها از دسترس زحمتکشان خارج می شود.

مردم انقلاب کردند تا اختلاف های فاحشی که در جامعه وجود داشت تعدیل شود و شرایط مناسبی که همه افراد جامعه بتوانند از مواهب گوناگون زندگی برخوردار شوند، ایجاد گردد. تمام مسئولان در اتخاذ سیاستی درست و اصولی، که بتواند مسائل مهم اقتصادی را حل کند، و از جمله کمبود و گرانی را مهار کند، نه تنها این مشکلات حل نشد، بلکه با کار شکنی عوامل ضد انقلاب و ندانم کاریها بر آنها افزوده شد. با آنکه دستمزدها زحمتکشان افزایش یافت، ولی بعلت افزایش قیمتها تاثير مثبتی در زندگی کیشان بیار نیاورد. همین امر

فروشنده های عمده و واسطه ها در بازار کالاها قیمت کالاهای ضروری را به قدری بالا می برند که مردم در برابر آنها ناتوانند

زمینه خوبی را برای فعالیت ضد انقلاب بوجود آورد تا بتواند با تبلیغات خود و با تشدید ناراضی ها در بین مردم، علیه انقلاب تبلیغات مخرب خود را دنبال کند. بعد از انقلاب، وارد کنندگان کالاها و واسطه ها همان شیوه سابق بازار کشور را در دست داشتند و هنوز هم دارند. در رژیم گذشته این عناصر ضربه جدی بر اقتصاد ما وارد کرده بودند و با آزادی عملی که اکنون نیز دارند، ارزش سالم اقتصادی کشور جلوگیری می کنند. ضروری است که دولت با اقدامهای درست و بجای از چپاول و غارت دسترنج زحمتکشان توسط این عناصر جلوگیری کند و راه رشد اقتصادی که متناسب با خواستهای مردم و در جهت رفاه آنها باشد، انتخاب کند.

خوشبختانه اخیراً اعلام شد که مقدمات ملی کردن بازرگانی خارجی در دست تهیه است و مجلس تصویب کرد که دولت مقدمات این کار را در ظرف سه ماه تهیه کند. این گامی است مثبت، گرچه، با تاخیر برداشته شده است.

باملی کردن بازرگانی خارجی دولت می تواند از یک سو کالاها را سفارش دهد که در داخل تولیدگانی ندارد و از وارد شدن کالاها مشابه که در داخل تولید می شوند، جلوگیری کند. از سوی دیگر دولت میتواند کالاهای وارداتی را با قیمت گذاری کند و آنها را با قیمتی مناسب در دسترس مردم قرار دهد.

البته این به تنهایی کافی نیست. برای آنکه بتوان قیمتها را ثابت نگاه داشت و از چپاول دسترنج مردم توسط محتکران و سودجویان جلوگیری کرد، باید در سراسر کشور فروشگاههای دولتی بوجود آورد. این اقدام گام مهمی است که هم از افزایش قیمت ها جلوگیری کند و هم کالا دیگر در دست محتکران و واسطه ها احتکار نخواهد شد.

دولت با تسریع در امر ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد فروشگاههای دولتی، علاوه بر آنکه می تواند نیازهای مردم را از لحاظ کالاها مصرفی تامین کند، از فعالیت خرابکارانه سرمایه داران بزرگ، بازرگانان عمده و واسطه ها و محتکران نیز در شرایط حساس کنونی جلوگیری بعمل خواهد آورد.

بنازد و آنها را "آدم های جلوه فروش بیکارهای که مکتب را سیر فرار داده اند و خود را در ورطه آن مخفی کرده اند" (انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۲۴) بخواند. (بیم انقلاب - ارگان سیاه پاسداران - ۲۹ آذر ۵۹)

هر لحظه باید در مقابل آمریکا هشیار بود

هر لحظه باید هشیار بود که آنچه را در این یک سال گذشته ایم، او نتواند بر باد دهد. هر لحظه باید هشیار بود که ما در مواجهه با آمریکا در حقیقت با دشمن شماره یک ملل محروم و مستضعف جهان، با شیطان بزرگ، با جلا و ویتنام و جنوب لبنان و فلسطین اشغالی، با طراح ۲۸ مرداد و ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور، با کرک در برابر میش و با ظالم در برابر مظلوم مواجهیم.

شاکردی در کلاس درس طبیعی از معلم که درباره "ساختار بدنی حیوانات" سخن می گفت و از این که برخی حیوانات از حیث شرایط فیزیکی بدنی و وضعیت ستون فقراتشان می توانند روی دویای خویش بایستند پرسید: آیا روای می تواند روی دمش راه برود؟! معلم طبیعی کمی تأمل کرد و گفت "والله از این مادر به خطا" هرچی بگی بر میاد!!

ما به قول امام "سطوره شکست ناپذیری" و "بیت بزرگ" قرن را شکستهایم. به ملت ها فهماندیم که قوی ترین قدرت امپریالیستی را با اتحاد می توان شکست داد و می توان خلیفه بغداد را در ندی پیچید و مالید و خفه کرد و آسمان هم تکان نخواهد خورد! امروز آمریکا بر آن است که به ما و ملت ها بیاموزد که این درس را فراموش کنند! کارتر گفته بود وقتی گروه ها به دست ما برسند، درس واقعی را به ایران خواهیم داد. آنها بر آنند تا به

زعم خودشان به دنیا بفهمانند که چنین خریزه خوردنی چه لیزی دارد!

از این روایا حیلگر هیچ استعدادی نیست که پس از تحویل گروگانها و پس از آن که به مقصود رسید و برگهای برنده را به دست آورد، با کاربرد هزار فوت و فن سیاسی حقوقی و اقتصادی، تمهیدات خویش را در لایه هایی از فریب و مرور زمان و این دست و آن دست کردن به پیچد و زیر پا نهد و ما را به دنیا "باجگیر" معرفی کند! و سپس اعلام کند که "باج نمی دهیم حتی به شما". ایران زورمدارانه عمل می کند! کارهایش در رابطه با ما مستحق سر زور و حدیث گروهی و شامتی بوده است!! و اینها همه خلاف اسلام، مسیحیت، قانون اساسی و صلح و عدالت بشری و امنیت و معنویت جهانی و منزلت های انسانی است! آمریکا زیر بار زور نخواهد رفت!! (اطلاعات - ۳۰ آذر ۵۹)

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، شدت به سخنان اخیر ریگان رئیس جمهور جدید آمریکا، اعتراض و تاکید کرد که رهبران آمریکا هر جا خواسته اند جنایت کنند، اول مردم آنها را به وحشیگری متهم کرده اند. رئیس مجلس ضمن سخنان خود تاکید کرد که ما خودمان را با آمریکا در حال جنگ می دانیم.

در آغاز این جلسه، خوشنویس، نماینده اردبیل، به عنوان اولین سخنران پیش از دستور جلسه، در ارتباط با مسائل مختلف ملکتی، و از جمله نقش روحانیون سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«ما بعد از انقلاب دویازویز زنده و سازنده اسلام داشتیم: سپاه پاسداران و جهاد سازندگی. این دو بازو را باید تقویت کرد.»

خوشنویس سپس در مورد تعدیل ثروت سخن گفت و از جمله افزود: «ما دیگر برای یافتن عدالت نباید دنبال این کلمه در کتابها بگردیم. وضع مالکیت باید روشن شود و دهقان ما معنی عدالت و آزادی را درک کند.»

سید احمد حسینی، نماینده مرودشت، سخنران بعدی پیش از دستور، ابتدا به سخنان امام خمینی در جمع اهالی خرم آباد و ذوقول اشاره کرد و گفت: «ای امام! شما زنده اید امتحان نیکو بر آمدید.»

او سپس خطاب به نمایندگان گفت: «اگر ما از عهد این امتحان بر نیاییم این ملت ما را نخواهد بخشید.» آنگاه علیرزاده، یکی دیگر از نمایندگان، گزارشی در مورد بازدید از جبهه های جنگ داد. او همچنین اظهار داشت:

«در دهساله ای که پدر خود را از دست داده (در جنگ) تنگ پدر را گرفته و در آنجا پاسداری می دهی. ناطق افزود:

«اهواز دیگر مانند اهواز دو ماه قبل نیست، شور و هیجان همه جا مشهود است و ذوقول، با وجود همه خرابیها،

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

سردهمداران آمریکا قرن ها جنایت کرده اند

اگر قرار باشد آمریکا غرامت جنایاتی را که کرده، به ایران بپردازد، در خزانه آمریکا چیزی باقی نمی ماند

به صورتی است که انگار در آنجا جاده های اتفاق یافتاده است.»

علیرزاده در پایان خواستار حل سریع مسئله اسکان آوارگان جنگ شد و اظهار امیدواری کرد که جنگ هر چه زودتر به پایان برسد.

آنگاه اسدی نیا، نماینده اهواز، ضمن دادن پیامی متوال کرده وضع جبهه ها تا کی باید به این صورت باقی بماند؟ کی آن دستور تهاجم صورت می گیرد و چه کسی مسئول صدور این دستور است؟

پیش از ورود به دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، در مورد شهادت حجت الاسلام ابوترابی سخن گفت و در این مورد اظهار تاسف کرد. رئیس مجلس آنگاه به سخنان اخیر ریگان رئیس جمهور آمریکا اشاره کرد و گفت:

«البته ما از ریگان بیش از این انتظار نداریم. ولی حرف او هم بی جواب نماند، درست نیست. ما مکرر گفته ایم، ما خودمان را با آنها در جنگ نمی دانیم.

ما جنگ تحمیلی صدام را جنگ عراق و ایران نمی دانیم، جنگ آمریکا می دانیم و عمال آمریکا. ولی مطلب از اینها گذشته است. در حرفهای ریگان آنکه وجود دارد که احتیاج به جواب دارد: یکی اینکه تفسیر می کنند از افزای که جاسوسان را هنوز زنده نگذاشته اند

به افراد غیر متعلم! و دوم اینکه تفسیر می کنند که احقاق حق که ما کرده ایم به باج خواهی و پرداخت غرامت. ما حرف با آنها خیلی داریم. ماهیت آنها تجاوزی است و هستی شان بازورگویی شان توأم است من نمی دانم بازداشت ۵۰ نفر جاسوسی که اسناد توسط شان افشاء شده، این عمل غیر متدبنا و بربریت است، اما جنایات وحشیانه آمریکا، بمبایی که صدام دستور آمریکایی بر سر مردم ذوقول می ریزد و هر روز خون مبارزان در گوشه و کنار جهان از چنگال آمریکا می ریزد و ۴۵ میلیون آواره فلسطینی و جنایاتی که در فریقای سیاه و آمریکای لاتین می کند و جنایاتی که در دوره شاه کرد و آمریکا مسئول تمامی آنهاست. اینها وحشیانه نیست و آثار تمدن است؟! شما گردن کلفتها در قرنهای تحت این نام این جنایات را مرتکب شده اید، و هر جا خواسته اید جنایت کنید اول مردم را به وحشیگری متهم کرده اید. از شما وحشی تر در تاریخ بشریت وجود ندارد و مخصوصا سردهمداران جمهوریخواه آمریکا. او می گوید برای گرفتن «گروگانها» غرامت نمی پردازد، قاتلها! اگر قرار باشد شما غرامت ملت ایران را بپردازید بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا امروز، در خزانه تان چیزی نمی ماند. شما خون ملت ما را مکیده اید، نه ما، ملت عربستان،

بندر بخواهد ملت ایران را بترساند. ملتی که حاضر شده در راه انقلاب همه چیز خود را بدهد، از این تهدیدها می ترسد و بنابراین دنیا بدانند ما باز با اشاره امام امت و صلوات اسلامی خواستیم مسئله «گروگانها» حل شود. این آمریکانست که نمی خواهد و دنبال بهانه می گردند.

پس از پایان سخنان رئیس مجلس، که با تکبیر و شمار همگ بر آمریکایی نمایندگان چندبار قطع شد، مجلس وارد دستور شد و در ابتدا گزارشی کمیسیون ارشاد قرائت گردید. این گزارش به تصحیح چند ماده طرح قانونی اداره رادیو و تلویزیون در مورد انتخاب نماینده قوه مجریه، که شورای نگهبان آن را رد کرده بود، اختصاص داشت. بر اساس طرح تهیه شده، نماینده قوه مجریه توسط هیات دولت تعیین و به اطلاع رئیس جمهور می رسد. در این مورد رجاییان، سلامیان، توری، رهامی به عنوان مخالف و سید ابوالفضل موسوی باقانی، موحدی کرمانی و عید خدایی به عنوان موافق سخن گفتند. مخالفین خواستار تصویب نماینده دولت توسط رئیس جمهور بودند و موافقین اعتقاد داشتند که بر اساس قانون اساسی، صرف اطلاع به رئیس جمهور کفایت. آنگاه حسین هراتی مقرر کمیسیون ارشاد در این مورد توضیحی داد و تاکید کرد که شورای نگهبان خواستار اجرای اصل ۱۲۶ قانون اساسی در این مورد شده است.

پس از توضیحات مقرر کمیسیون پیشنهاد کفایت مذاکرات داده شد. با قبول پیشنهاد کفایت مذاکرات در مورد این بند، در مورد خود بند مزبور رای گرفته شد که با اکثریت آراء به تصویب رسید. آنگاه در مورد بندهای دیگر نیز بحث و بررسی به عمل آمد و بندهای اصلاح شده به تصویب رسید. سپس طرحی از طرف کمیسیون اصل ۹۰ در مورد رسیدگی سریع تر به شکایات مردم از قوای سه گانه، یا قید یک فوریت، مطرح گردید.

این هفته در نامه «مردم» بزبان کردی می خوانید:

- طرح آمریکا برای اشغال ۳ جزیره ایران در خلیج فارس، خطری جدی، فوری و وادقیست.
- امام خمینی:
- عدهای خیانتکار (هستند) که می خواهند این مملکت را به موضع سابق برگردانند
- برای درم شکستن توطئه هتم آمریکا، قاطعیت انقلابی و وحدت نیروهای انقلابی ضروری است.
- آزادی فوری رفیق تیجانی طیب، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان را خواستاریم.
- نظر آیت الله منتظری درباره مجاهدین خلق.
- شکل جدید فعالیت ضد انقلاب: مخالفت یا جیرمبندی کالاهای ضروری
- سوء قصد به جان آیت الله موسوی اردبیلی را به شدت محکوم می کنیم.
- تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به قیدل کاسترو
- صدام و تصویرش (داستان ملتی).

نامه «مردم» بزبان کردی هر هفته سه شنبه منتشر می شود

به انقلاب تن دردهد، بلکه شکست انقلاب و تصرف مجدد قدرت حاکمه را می خواهد. بهمان گونه نیز بورژوازی لیبرال بشرطی و زمانی آرام و ساکت میشود که انقلاب را از جنگ توده های زحمتکش خارج کند، تمام قدرت حاکم را بدست آورد، رژیم مشروطه بدون شاهش را برقرار کند و اگر مقاومتی در برابر خود دید، دیکتاتوری خونینی یا همان سیاست خارجی و داخلی «آریسمری» برکشود و مردم تحصیل کنند.

انقلاب یا باید به پیروزی قطعی و نهائی برسد، یا باید شکست بخورد. انقلاب در نیمه راه نمی تواند توقف کند. بورژوازی لیبرال و مجموعه نیروهای ضد انقلابی یا باید پیروز شوند و یا باید بکلی از میدان مبارزه، شکست خورده، خارج شوند. آنها در وسط راه نمی توانند بایستند.

انقلاب حرکت است. انقلاب نمی تواند در نیمه راه از حرکت بایزایستد. توقف انقلاب، شکست انقلاب است. پیشرفت و گسترش و تعمیق آن وسیله و ضامن پیروزی آنست.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

روستار در صف مدافعان جانباز انقلاب بسیج کرد. تعدادی تر می بخشید در جهت بهبود زندگی همه اقشار کارگران اتخاذ و اجرا کرد، و بدینسان، صف مدافعان پیشاز انقلاب را فشرده و یکپارچه ساخت. بازگشتی خارجی و عمدتاً فروشی داخلی را در انحصار دولت درآورد و بدینسان، گرانی بی رویه کالاها را مهار کرد و توده های میلیونی محروم را امیدوار به ثمرات انقلاب و حامی بی ترزل انقلاب ساخت... و اقدامات دیگری از این قبیل - همه در جهت تامین حقوق توده های زحمتکش شهر و روستا، و در نتیجه، همه در جهت تقویت آرایش قوا بسود انقلاب و گرفتن رمق اجتماعی ضد انقلاب و بورژوازی لیبرال - جاده صاف کن ضد انقلاب.

این واقعیت را باید پرورش داد و عمیقاً شناخت که تعمیق انقلاب، تعمیق هر چه سریعتر و قاطع تر انقلاب، یگانه وسیله مطمئن شکست حتمی دشمنان و مخالفان انقلاب است. گذشتن از کنار این واقعیت و وانگوشی سطحی بدان، میتواند باعث این استبدال غلط گردد که، چون بورژوازی لیبرال از تعمیق انقلاب بیخشم آمده و به پر خاشی پرداخته، پس باید از روند تعمیق بیشتر انقلاب جلوگیری کرد، تا بورژوازی لیبرال ساکت و آرام شود. این با اصلاح استبدال میتواند در عمل نتایج فوق العاده خطرناکی برای انقلاب بیار آورد، زیرا بهمان گونه که ضد انقلاب بهیچ عنوان نمی تواند با انقلاب آشتی کند و

حمله لیبرال ها...

بقیه از صفحه ۱
و اشتباهات و یا دام گسترده آنها با شعار «آزادی»، که میتواند گروههایی از جبهه انقلاب را به جبهه مقاومت ضد انقلاب بکشاند) حمله لیبرالها بی خطر نیست و اگر بدفع آن بوقع اقدام نشود، میتواند بدل به خطر جدی گردد. چگونه می توان حمله لیبرالها را دفع کرد؟ پاسخ به این پرسش، در هر زمینه مشخصی، میتواند مشخص باشد، ولی پاسخ کلی در یک جمله خلاصه میشود: انقلاب بسود زحمتکشان شهر و روستا.

روند تعمیق انقلاب، که در این اواخر آغاز شده و لیبرالها را به موضع ضعف رانده، باید با قاطعیت فزاینده پیشرفت داده شود. تا پایگاههای اجتماعی بورژوازی لیبرال و ضد انقلاب منهدم شود و در نتیجه لیبرالها سرلشکران بی لشکر آن شوند و در عوض، قدرت اجتماعی نیروهای راستین انقلابی که رهبری امام خمینی، چنان تقویت شوند که هیچگونه مقاومتی در برابر انقلاب ممکن و میسر نباشد، عبارت دیگر، باید سرمایه داری بزرگ وابسته را تماما و در تمام زمینه های زندگی لغو کرد و، بدینسان، شمله امید انقلابی را در دل زحمتکشان شهر و روستا فروزان تر ساخت: اصلاحات ارضی (از جمله بند «ج») را با قاطعیت اجرا کرد و بدینسان تمام زحمتکشان

زندان به خانواده اش خیانت میکنند، و درست هنگامی آزاد می شود که تازه دستش به جنایت آلوده شده است (آن هم نه قتل یک نفر، بلکه هزار نفر قربانیان سد). گویی آزادی او پاداشی جنایتی است که در آن (یا سکوتش) شرکت چسبیده. او خود دریافته که استحقاق آزادی را ندارد، و از این رو هنگام خروج از زندان، اشتباه در خروجی را کم می کند!

وزیری پس از آزادی مصمم است که با افسای بی عدالتیهای که در زندان شاهد بوده، از عتاب وجدان خود بکاهد، اما فساد و وحشتی که در تمام سوسج جامعه رخنه کرده، به سادگی می تواند این «همه سست عنصر» را از پا درآورد. و از تصمیمی که گرفته، منصرفش کند. (گفتار فارسی این بخش پایانی فیلم به شدت مشکوک و معیوب است!) اما سرمایه داری نمی تواند برای همیشه بر سپاهکارها و جنایات پلید خود سربوش بگذارد. دختر جوان یزتی از قتل قبیح پدرش آگاه است، و «حقیقتی» را که سر او را به باد داده، در سینه دارد.

کردن هر سه کیلو پسته، چهارصد ریال مزد می گیرند. در حالیکه کارگران در ازای خندان کردن هر سه کیلو پسته، فقط چهل ریال دریافت می کنند. بدینوسیله ضمن تصحیح مطلب از اشتباهی که رخ داده است پوزش می طلبیم.

آزادی لیبرالها...

بقیه از صفحه ۸
(فراتکو نرو) است که بی گناه به زندان افتاده است. او به شدت طرفدار «آزادیهای فردی» است و کمترین توجهی به حقوق اجتماعی ندارد و لذا برای نظام غیر انسانی حاکم هیچ خطری به حساب نمی آید. می بینیم که او به شدت در برابر استثمار و اجحاف و بی عدالتی واکنش نشان می دهد و برای «تمدن» یسته می دراند، اما همین آقای «تمدن» - وقتیکه سینه پر زور باشد و پای منافع شخصی خودش هم به میان بیاید سینه موجود قسی انقلابی میل می شود که از کنار و حشیانه ترین جنایتها به سادگی می گذرد.

فیلم «بازرسی به پایان می رسد» در گشودن دمل چرکین لیبرالسم جسور و بی پروا است و آن همه فقر فروشیها و مدیحه سرانیهای بورژوازی لیبرال درباره «حقوق فردی» را چون جبابه عفن می ترکاند. فیلساز در سیک مسخه پایانی فیلم، با هجوی گزنده، تمام نظام حقوقی لیبرالسم غرب را بسخره می گیرد. و نزی کاملاً بیگناه به زندان می افتد، در

تصحیح و پوزش

در نامه «مردم» شماره ۳۷۷، مطلبی تحت عنوان «کارگران به خاطر خندان کردن پسته از چاشنان مایه می گذارند». چاپ شده بود که در آن گفته شده بود کارگران برای خندان



پنوم کمیته مرکزی حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس از پیشنهادهای لئونید پرژف برای تامین صلح در خلیج فارس استقبال کرد

پنوم کمیته مرکزی و کمیسیون تقش مرکزی حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس (آکل) در نیکوزیا برگزار شد. در این پنوم تحولات مساله قبرس و مسائل جبهه داخلی مورد بررسی قرار گرفت. پایا ایواتو دبیر کل حزب در گزارشی خود تأیید کرد که جنبه‌های داخلی مساله قبرس باید بوسیله خود قبرس‌ها حل شود و جنبه‌های خارجی باید در یک کنفرانس بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل متحد حل و فصل گردد.

دبیر کل حزب گفت: «هدف ما یک قبرس واقعا مستقل، دارای حق حاکمیت، فدرال، غیر متعبد و دموکراتیک است که تمامیت ارضی آن کاملاً حفظ شود».

پایا ایواتو در زمینه مسائل خارجی گفت: «پیشنهادهای اخیر لئونید پرژف رهبر اتحاد شوروی درباره راهبای برقراری صلح و امنیت در خلیج فارس عامل مهمی در آرمان تسخیر زدنای و صلح است. ابتکارهای جدید شوروی نه تنها با رضایت خلقهای منطقه روبرو شده، بلکه از سوی خلقهای دیگر مناطق جهان نیز با شوق فراوان روبرو شده است، اما محافل نظامی گرا و ارتجاعی قاتو، بار دیگر واکنش منفی در برابر آن نشان داده‌اند».

دبیر کل «آکل» تلاشی ببلوک قاتو را برای مداخله در امور داخلی لیبستان، محکوم کرد و گفت: «هدف از این مداخلات، جدا کردن لیبستان از جامعه سوسیالیستی است».

دبیر کل «آکل»، ضمن اشاره به مبارزه ضد شوروی - ضد لیبستانی محافل نظامی گرا و وروده‌های ایماهای آراکس آمریکا به آلمان فدرال برای جاسوسی در اطراف لیبستان، حمایت غرب از نیروهای ضد انقلابی داخلی لیبستان را محکوم کرد.

ملاقات وزیر خارجه لیبستان با رهبران اتحاد شوروی

یوزف جیرک، وزیر خارجه لیبستان، در مسکو با رهبران اتحاد شوروی، از جمله یان لئونید پرژف ملاقات کرد. در جریان این ملاقات، دو کشور ضمن اشاره به اجلاس رهبران حزبی و دولتی

جمهوری‌های بیمان ورشو، که در پنجم دسامبر ۸۰ در مسکو برگزار شده بود، تأکید کردند که در راه تحکیم صلح و تسخیر زدنای تلاش خواهند کرد. همچنین در جریان این دیدار، تلاشی محافل امپریالیستی و ارتجاعی برای خرابکاری در لیبستان و مداخله در این کشور شدت محکوم شد. لئونید پرژف آرزو کرد که زحمتکشان لیبستان مشکلاتی را که در مسیر ساختمان سوسیالیسم پیش آمده‌است، هر چه زودتر و سریعتر مرتفع کنند. لئونید پرژف ابراز اطمینان کرد که این امر تحت رهبری حزب کارگری متحد لیبستان تحقق خواهد یافت. یوزف جیرک تأکید کرد که لیبستان یک حلقه نیرومند اردوگاه سوسیالیسم بوده و خواهد بود.

فعالیت‌های نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس

روزنامه انگلیسی زبان «کابل نیویوز» ضمن اشاره به فعالیت‌های نظامی گسترده امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس نوشت که کمپهای نظامی گسترده آمریکا به رژیم عروسیکی ضیاع‌الحق و چین و فرستی که به کشتیهای جنگی چین داده شده، تا ازینادریا کستان استفاده کنند و سفرهای دریایی نظامیان چینی به پاکستان، همگی از جمله عوامل استراتژی نظامی کلی امپریالیسم آمریکا در آسیاست.

«کابل نیویوز» ضمن اشاره به ارسال سلاح از سوی آمریکا برای چند کشور معین حوزه اقیانوس هند، نوشت که واشنگتن مایل است یک بلوک نظامی - سیاسی در خاورمیانه تشکیل دهد که اعضای آن بنحوی سیاستهای امپریالیسم آمریکا را مجاز بدانند.

چرا «معتاد»؟

تلویزیون

پنجمین شب گذشته، بعد از چند روز تبلیغ، نمایشنامه «معتاد» از سیمای جمهوری اسلامی ایران - شبکه اول - پخش شد. این نمایش، که اجراکنندگان آن گروهی از زندانیان زندان قصر بودند، قبلاً یک هفته در تئاتر شهر بر صحنه بود. علت پختن این نمایش از تلویزیون، توسط گوینده، در اهمیت آن بعنوان یک «سپیکو درام» - شیوه‌ای از نمایش که با تکرار و تأکید مفاهیم مشخص توسط پیامار، از آن برای بهبود پیامار کمک گرفته می‌شود - و نیز نشان دادن تحولی که در زندانها انجام شده، ذکر شد.

به نظر ما، پختن این نمایش، که با حسن نظر تمام، بویژه نسبت به معتادان پدیدمخامان برانداز اعتیاد انجام گرفت، متأسفانه نه تنها هیچ‌یک از اهداف یادشده را برآورده نکرد، بلکه لطمه جدی به پختن

هفته گذشته سیمای جمهوری اسلامی ایران سه فیلم سینمایی پختن کرد. متأسفانه تنها یکی از این فیلمها قابل تأیید است.

«ششمین منزلگاه خوشبختی»، اولین فیلم سینمایی هفته گذشته بود، که مستند شب گذشته از شبکه دوم تلویزیون پختن شد. در این فیلم، که کارگردان آن تجارت‌ساز معروف آمریکائی «مسارک رایسون» است، داستان زندگی یک دختر انگلیسی بازآفرینی میشود، که از طرف مسیون‌های مذهبی برای «نجات مردم چن» به این سرزمین رفته و برای آنها مسامحت و خوشبختی، به ارمغان آورده است. در این فیلم دخترک انگلیسی، که نقش او را اینگرید برگمن بازی میکند، توده‌های چینی وحشی و بدبخت ترسیم شده‌اند و در عوض دخترک مظهر مهربانی و انسانیت!

بدون تردید این فیلم، که سازنده آن کیمانی آمریکائی فوکس قرن بیستم است، برای خدمت به منافع امپریالیسم جهانی ساخته شده و نمایش آن بدلیل تصادف این روزها یا سال نو مسیحی در شان سیمای جمهوری اسلامی ایران نیست. توضیح آغاز فیلم هم توسط گوینده تلویزیون علیه مسیون‌های مذهبی، مساله‌ای را حل نمی‌کند. ما امیدواریم سیمای جمهوری اسلامی ایران، که در مجموع در مسیر انقلاب بزرگ ایران است، با دقت بیشتری به پختن فیلمها بپردازد.

فیلم بعدی که جمعه شب از شبکه اول پختن شد، «اتفاجر» نام داشت. این فیلم که به مقاومت خلق یوگسلاوی علیه فاشیست‌های هیتلری می‌پرداخت، متأسفانه فیلم بسیار ضعیفی بود. ما نمیدانیم اصل

متنوع کارساز است و هم پرغنی برنامه می‌افزاید.

ما در همین مسیر پیشنهاد می‌کنیم که از اشعار شاعران بزرگ خلقی دنیا - بویژه فلسطین - در برنامه استفاده شود و همچنین اشعار خلقی ایران دعوت شوند، تا با قرائت اشعار سیاسی، باز هم پرغنی «جنگ سیاسی» اضافه کنند.

علاوه بر این، کاریکاتور می‌تواند جای ارزنده‌ای را در این برنامه اشغال کند. حتی میتوان هر هفته منتخبی از کاریکاتورهای انقلابی را، که خوشبختانه تعداد آنها هم زیاد است، ارائه کرد و در قاصله هر دو برنامه و یا در متن برنامه از کاریکاتورهای گزیده هفته سود جست.

«جنگ سیاسی» هفته گذشته، که شامل چند قسمت درباره تجارت‌سازهای اشغالگر قدس به جنوب لبنان، هنر مقاومت، مصاحبه با صاحب‌نظران (این بار آقای محمد نصرا لیبی نماینده آبادان)، بحران سرمایه‌داری و طرح یک سوال بود، یا پرداختن به مسائل داخلی، نقش اساسی هفته گذشته را هم جبران کرده و در مجموع در مسیر انقلاب بزرگ ایران قرار داشت.

قسمت جدیدی که این هفته به «جنگ سیاسی» اضافه شده بود، «هنر مقاومت» نام داشت، که در آن از پاتوبیم استفاده شده بود. این قسمت ابتکار خلقی بود که هم در انتقال مفاهیم سیاسی بطور

سینمای سیاسی ایتالیا، که واقع‌گرایان و خشن‌مشخصه اصلی آن است، با جنبش امیل کارگری آن کشور همیسته است. اقتضای جنایات نظام سرمایه‌داری و بویژه نظام حقوقی فاسد و چابراه آن، از مضامین اصلی این سینماست.

خوشبختانه ما در ایران شاهد سه نمونه امیل و برجسته این گرایش بوده‌ایم. در دوران پیش از انقلاب، نسخه مثله شدمو به کلی نامفهوم از فیلم باارزش «بازجویی»، اثر الیو پتری در تهران بر روی پرده آمد. بعد از انقلاب، فیلم تکان دهنده ساگو و واترزی (با نام محکوم به اعدام) به نمایش درآمد و حالا شاهد

اثر جورانه و آرزنده دامیاتو دامیاتی به نام «بازرسی به پایان میرسد»، هستیم. سرمایه‌داری، به پشتوانه لیبرالیسم، دوستانه‌اش، سخت به نظام حقوقی خود مسی‌بالد. بورژوازی لیبرال غرب درباره «حریم مقدس» حقوق فردی لاقها و ادعاها، دارد. فیلم «بازرسی به پایان میرسد» نشان می‌دهد که سرمایه‌داران در ادعاها و کزاف‌گوییهای خویش تا چه حد صادق هستند؟

یک شرکت بزرگ سرمایه‌داری، یک پروژه سمسازی را به عهده می‌گیرد. پس از اتمام ساختمان سده، کارشناسان دولتی آن را معیوب و خطرناک اعلام

می‌کنند. اما شرکت، که سرمایه عظیم خود را در خطر می‌بیند، به گزارشها و قه‌می‌گذازد و بدین سان باعث نابودی صدها زندگی و هلاک هزارتن از اهالی اطراف سد می‌گردد. تنها یک تن از این جنایت فجیع و هولناک با خیراست: ییزتی (که نقش او را ریکاردو کوچیولا یا هنرمندی ایفا می‌کند). او از گزارشهای مربوط به ناامنی سد قه‌مکی تهیه کرده و حاضر است به دادگاه ارائه دهد. آیدای شرکت یا پرونده سازی او را به زندان می‌اندازند. در زندان از یلیوسو او را زیر فشار و شکنجه قرار می‌دهند و از سوی دیگر می‌کوشند او را بخرند. او حق دارد از «رقامه» و

«جنگ سیاسی» هفته گذشته، که شامل چند قسمت درباره تجارت‌سازهای اشغالگر قدس به جنوب لبنان، هنر مقاومت، مصاحبه با صاحب‌نظران (این بار آقای محمد نصرا لیبی نماینده آبادان)، بحران سرمایه‌داری و طرح یک سوال بود، یا پرداختن به مسائل داخلی، نقش اساسی هفته گذشته را هم جبران کرده و در مجموع در مسیر انقلاب بزرگ ایران قرار داشت.

قسمت جدیدی که این هفته به «جنگ سیاسی» اضافه شده بود، «هنر مقاومت» نام داشت، که در آن از پاتوبیم استفاده شده بود. این قسمت ابتکار خلقی بود که هم در انتقال مفاهیم سیاسی بطور

متنوع کارساز است و هم پرغنی برنامه می‌افزاید.

ما در همین مسیر پیشنهاد می‌کنیم که از اشعار شاعران بزرگ خلقی دنیا - بویژه فلسطین - در برنامه استفاده شود و همچنین اشعار خلقی ایران دعوت شوند، تا با قرائت اشعار سیاسی، باز هم پرغنی «جنگ سیاسی» اضافه کنند.

علاوه بر این، کاریکاتور می‌تواند جای ارزنده‌ای را در این برنامه اشغال کند. حتی میتوان هر هفته منتخبی از کاریکاتورهای انقلابی را، که خوشبختانه تعداد آنها هم زیاد است، ارائه کرد و در قاصله هر دو برنامه و یا در متن برنامه از کاریکاتورهای گزیده هفته سود جست.

«جنگ سیاسی» هفته گذشته، که شامل چند قسمت درباره تجارت‌سازهای اشغالگر قدس به جنوب لبنان، هنر مقاومت، مصاحبه با صاحب‌نظران (این بار آقای محمد نصرا لیبی نماینده آبادان)، بحران سرمایه‌داری و طرح یک سوال بود، یا پرداختن به مسائل داخلی، نقش اساسی هفته گذشته را هم جبران کرده و در مجموع در مسیر انقلاب بزرگ ایران قرار داشت.

قسمت جدیدی که این هفته به «جنگ سیاسی» اضافه شده بود، «هنر مقاومت» نام داشت، که در آن از پاتوبیم استفاده شده بود. این قسمت ابتکار خلقی بود که هم در انتقال مفاهیم سیاسی بطور

سینمای سیاسی ایتالیا، که واقع‌گرایان و خشن‌مشخصه اصلی آن است، با جنبش امیل کارگری آن کشور همیسته است. اقتضای جنایات نظام سرمایه‌داری و بویژه نظام حقوقی فاسد و چابراه آن، از مضامین اصلی این سینماست.

خوشبختانه ما در ایران شاهد سه نمونه امیل و برجسته این گرایش بوده‌ایم. در دوران پیش از انقلاب، نسخه مثله شدمو به کلی نامفهوم از فیلم باارزش «بازجویی»، اثر الیو پتری در تهران بر روی پرده آمد. بعد از انقلاب، فیلم تکان دهنده ساگو و واترزی (با نام محکوم به اعدام) به نمایش درآمد و حالا شاهد

فیلم سینمایی - تنها یک فیلم خوب

فیلم‌باین صورت بوده و یا در سانسورچین شده‌است. به صورت فیلمی که از تلویزیون پختن شد، در حد یک فیلم پلیسی، حتی بدون منظر خاص این فیلمها، بود و در نتیجه مبارزه خونین خلق قهرمان یوگسلاوی را تا حد یک نبرد بدون آرمان تقلیل میداد. بهترین فیلم سینمایی هفته گذشته «آغازی برای پایان» نام داشت، که موضوع آن محاصره یک گروه از پارتیزانهای یوگسلاوی در زمان اشغال این کشور توسط فاشیست‌ها بود. فیلم از فداکاری و قهرمانی پارتیزانها در رامولستان حکایت داشت. متأسفانه این فیلم هم کوتاه - نه سانسور - شده بود و حتی صحنه‌هایی از آن که قبلاً در تلویزیون نمایش داده شده بود سخاند صحنه شورانگیز نجات کودک این‌بار از فیلم حذف شده بود.

چند پیشنهاد برای «جنگ سیاسی»

اما یک قص بسیار جدی در «جنگ سیاسی» عدم توجه کافی به نظریات توده‌های خلق، بویژه زحمتکشان است. باین‌معنی که، حداقل وقت برنامه به نظرخواهی از کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشانی که انقلاب ایران حاصل فداکاری آنهاست، اختصاص داده شده‌است. ما پیشنهاد می‌کنیم که در هر برنامه، از کارگران در کارخانه‌ها، از دهقانان در مزارع و از دیگر اقشار مردم در مورد مسائل مهم کشور نظرخواهی و این نظریه‌صورت مصاحبه زنده پختن شود، تا «جنگ سیاسی» هرچه بیشتر به مخاطبان واقعی خود نزدیک گردد.

«آزادی» بر فیلم «بازرسی به پایان می‌رسد» در دو سینمای تهران

«آزادی» لیبرال‌ها قابل خرید است!

می‌کنند. اما شرکت، که سرمایه عظیم خود را در خطر می‌بیند، به گزارشها و قه‌می‌گذازد و بدین سان باعث نابودی صدها زندگی و هلاک هزارتن از اهالی اطراف سد می‌گردد. تنها یک تن از این جنایت فجیع و هولناک با خیراست: ییزتی (که نقش او را ریکاردو کوچیولا یا هنرمندی ایفا می‌کند). او از گزارشهای مربوط به ناامنی سد قه‌مکی تهیه کرده و حاضر است به دادگاه ارائه دهد. آیدای شرکت یا پرونده سازی او را به زندان می‌اندازند. در زندان از یلیوسو او را زیر فشار و شکنجه قرار می‌دهند و از سوی دیگر می‌کوشند او را بخرند. او حق دارد از «رقامه» و

سینمای سیاسی ایتالیا، که واقع‌گرایان و خشن‌مشخصه اصلی آن است، با جنبش امیل کارگری آن کشور همیسته است. اقتضای جنایات نظام سرمایه‌داری و بویژه نظام حقوقی فاسد و چابراه آن، از مضامین اصلی این سینماست. خوشبختانه ما در ایران شاهد سه نمونه امیل و برجسته این گرایش بوده‌ایم. در دوران پیش از انقلاب، نسخه مثله شدمو به کلی نامفهوم از فیلم باارزش «بازجویی»، اثر الیو پتری در تهران بر روی پرده آمد. بعد از انقلاب، فیلم تکان دهنده ساگو و واترزی (با نام محکوم به اعدام) به نمایش درآمد و حالا شاهد



«آزادی» بر فیلم «بازرسی به پایان می‌رسد» در دو سینمای تهران

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 407
30 December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

م صندوق پستی
۱۴/۳۰۰۱، منطقه
۱۴ پستی تهران